

غذا و تجارت بین الملل

مقدمه

۱.۱ تغییرات عمده‌ای در قلمرو بازرگانی به وقوع پیوسته است. بخشی از این تغییرات به دنبال پیشرفت‌های اساسی در حمل و نقل، ارتباطات و تکنولوژی اطلاعات (انفورماتیک) تحقق یافت و بخشی از آن در پی اطلاع سیاست‌های بازرگانی روی داده است. روند جهانی شدن بازارها و افزایش یکپارچگی اقتصادی بیانگر این امر است که کالاها، سرمایه و افکار هر روز آسانتر از پیش به سراسر جهان گسترش یافته فرصت‌ها و خطرات جدیدی نیز به ارمغان می‌آورد. دگرگونی در روش‌های تولید منجر به تغییراتی در ساختار تجارت جهانی می‌گردد بویژه با توجه به رشد سریع اقتصاد در آسیای شرقی و همچنین با افزایش اهمیت خدمات تجاری بین‌المللی، این امر تسریع می‌شود.

۲.۱ این روند در پی دستاوردهای حاصل از مذاکرات چند جانبه تجاری اروگوئه که جامعترین توافقنامه‌ای است که تاکنون تدوین گردیده، تحکیم خواهد شد. محدودیتهای تجارت مصنوعات با اقدامات مهمی که به منظور آزادسازی تجارت کشاورزی و خدمات صورت می‌گیرد، بیشتر کاهش می‌یابند. در حقیقت سیستمهای اقتصادی «در حال گذر» و بسیاری از کشورهای

توسعه یافته و در حال توسعه سیاستهای مبتنی بر بازار بیشتری را بر اساس توافقنامه اروگوئه که در جهت تحکیم این سیاستها عمل می‌کند، اتخاذ کرده‌اند. گسترش روند آزادسازی در چارچوب گروهبندی منطقه‌ای که اهمیت تازه‌ای پیدا خواهد کرد، صورت می‌گیرد.

تجارت کشاورزی بشدت در تغییر بوده تحت تأثیر بی‌نظمی رایج و روند آزاد سازی قرار خواهد گرفت که در گذشته باعث حوزه وسیع عملکرد دولت در بازارهای کشاورزی شده است. ۳.۱ این گزارش به منظور بررسی ماهیت این تغییرات و اصلاحاتی که لازم است در سیاستهای کشاورزی بین‌المللی صورت گیرد، تدوین شده است. تأکید آن بر این است که آیا این تغییرات ما را به سوی دنیایی با امنیت غذایی بیشتر و یا دنیایی بدون امنیت غذایی رهنمون می‌کند، همچنین بر اقدامات ضروری جهت حصول اطمینان از تحقق امنیت غذایی در شرایط تجاری جدید صحنه می‌گذارد.

ویژگیهای تجارت کشاورزی

۱.۲ ویژگیهای بسیاری را می‌توان در مورد تجارت مواد غذایی و محصولات کشاورزی در طول دو دهه گذشته خاطرنشان ساخت: اهمیت مستمر این تجارت برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، رشد ناموزون آن در طول این مدت است به عبارت دیگر گسترش سریع در سالهای ۱۹۹۰ و سپس رکود جدی در اواسط دهه ۸۰ و روند کند بهبودی بعد از آن، سقوط قیمت کالا در طول دهه اخیر، تغییر جهت و ترکیب کالاها در تجارت کشاورزی و بی‌نظمی و آشفتگی بازارهای جهانی که ناشی از تحریف سیاستها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد.

۲.۲ پس از کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴ حجم تجارت کشاورزی، شامل محصولات منطقه معتدل گرمسیری و فرآورده‌های جنگلی و شیلات، ۷۵٪ افزایش یافته و ارزش این محصولات

از ۱۴۸ میلیارد دلار به حدود ۴۸۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ رسیده است. (۱) با توجه به این امر که تجارت محصولات صنعتی رشد سریعی دارد، سهم محصولات کشاورزی در تجارت کالا از حدود ۲۰٪ در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ به ۱۲٪ در سال ۱۹۹۴ تنزل یافته است. این کاهش برای کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر بوده است. یعنی از حدود ۳۶٪ کل درآمد صادرات در اوایل دهه ۷۰ به کمتر از ۱۴٪ در ۱۹۹۲ رسیده است. (۲) این میانگین وابستگی شدید بسیاری از کشورها به تجارت کشاورزی را به عنوان صادرکننده و یا واردکننده تبیین نمی‌کند.

سهم صادرات کشاورزی مجاز در حدود یک چهارم کشورهای دنیا از دو سوم کل صادرات آنها در اوایل دهه ۹۰ بوده است، در حالی که در ۲۰٪ دیگر سهم صادرات این محصولات بیش از $\frac{1}{3}$ کل صادرات است. (۳) کشورهای کم درآمد بشدت به محصولات کشاورزی وابسته بوده، اغلب هنوز برای قسمت اعظم درآمد خود به یک یا چند محصول صادراتی کشاورزی وابسته هستند.

۳.۲ رشد تجارت کشاورزی بین کشورهای توسعه یافته پس از کاهش در سالهای ۱۹۸۰، در اوایل دهه تشدید شد. تا سال ۱۹۹۳ ارزش تجارت کشاورزی بین این کشورها ۴۶ میلیارد دلار یا به بیان دیگر بینش از ۱۰٪ کل تجارت کشاورزی جهان قلمداد می‌شود و گسترش روابط بازرگانی تأثیری در این مسئله ندارد.

۴.۲ توسعه مبادلات کشاورزی در دو دهه گذشته یکنواخت نبود. بلکه تحت تأثیر تغییرات ناگهانی جهانی مانند افزایش قیمت در سالهای ۱۹۷۰ نوسانات قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹، نوسان نرخ بهره در سالهای اولیه دهه ۸۰ (که بحران دیون خارجی را باعث شد) و عواقب آن یعنی تقلیل سرعت رشد و رکود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بوده است. مشکلات بازار محصولات کشاورزی در سالهای ۱۹۸۰ دو ویژگی بارز دارد. اولاً این دوره تنها دوره‌ای است که رشد مبادلات کشاورزی کمتر از تولید آن بود. ثانیاً قیمت‌های واقعی کالاها که در دهه گذشته روند

نزولی داشتند، در ۱۹۸۰ به شدت کاهش یافتند. مقایسه سه سال ۹۰ - ۹۲ با سالهای ۷۹ - ۸۱ یک تقلیل ۳۰٪ در نسبت قیمت کالاهای کشاورزی به کالاهای صنعتی را نشان می‌دهد. در این کاهش برای صادرات کشورهای در حال توسعه ۴۰٪ و کشورهای توسعه یافته ۲۰٪ بوده است.

۵.۲ تقریباً^۱ تجارت جهانی کشاورزی بین کشورهای اروپای غربی انجام می‌گیرد. صرف نظر از این مبادلات^۳ آمریکای شمالی، اروپای غربی و آسیا تقریباً سهم مساوی در صادرات جهانی دارند حال آنکه آسیا واردکننده اصلی محسوب می‌شود. در طول این دوره چند جهت‌گیری در این راستا قابل تأمل است: سقوط بزرگترین بازار واردات اروپای غربی و تغییر موضع آن به عنوان صادرکننده صرف برخی کالاها، رشد واردات کشورهای حاشیه اقیانوس آرام و نیز افزایش واردات کشورهای برخوردار از درآمد متوسط نسبت به کشورهای پردرآمد، افزایش تولیدات افزون بر بازار در بعضی کشورهای صادرکننده و افزایش یارانه در کشورهای صنعتی از جمله این تغییرات هستند، در نواحی در حال توسعه آمریکای لاتین صادرکننده صرف کالاهای کشاورزی است حال آنکه آسیا، خاور نزدیک، آفریقا و سیستمهای اقتصادی «در حال گذر» واردکننده هستند.

۶.۲ تجارت مواد غذایی در دهه ۷۰ نمایانگر تغییراتی مشابه تجارت کشاورزی است. ارزش مبادلات جهانی غذا در سال ۱۹۹۴ حدود ۲۶۶ میلیارد دلار بوده که میزان آن بیش از ۳۰۰۰ درصد نسبت به ۲۰ سال گذشته رشد داشته است. سهم واردات کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۴، ۲۸٪ بود که مشابه ۱۹۷۴ است. حال آنکه سهم صادرات همین کشورها از ۳۰٪ به ۲۶٪ تقلیل یافته است. بدین ترتیب توازن تجاری مواد غذایی که در ۲۰ سال قبل تقریباً مثبت بود، منفی شده است. (با احتساب واردات مشتمل بر هزینه‌های حمل و نقل و صادرات بدون آن).

در سال ۹۴ کشورهای در حال توسعه ۷۵ میلیارد دلار مواد غذایی وارد و ۶۷ میلیارد دلار

صادر کرده‌اند. این تغییرات اهمیت فزاینده تجارت بین‌المللی را در تأمین غذای مورد نیاز مصرف‌کنندگان بخصوص کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. در مورد غلات واردات ۱۴٪ مصرف داخلی را تشکیل می‌دهند که در سال ۱۹۷۴ فقط ۱۰٪ بوده است.

۷.۲ دو بُعد از ساختار کیفی تجارت کشاورزی شایان ذکر است، تمایز عرضی (افقی) از نظر تولید و تمایز عمودی آنها (در زمینه فرآوری)، افزایش مبادلات کشاورزی با تغییر ترکیب آن از محصولات فله به محصولات با ارزش افزوده همراه بوده است. محصولات پرقیمت مانند گل چیده، میوه‌های گرمسیری و نظایر آن منبع افزایش صادرات کشاورزی بعضی کشورهای در حال توسعه بوده است.

۸.۲ سقوط شدید قیمت مواد غذایی در دهه ۸۰ موجب بی‌نظمی بازارهای جهانی بود که در آن سطح تولیدات (و مصرف) ملی و در نتیجه آن مبادلات کالا بشدت تحت تأثیر سیاستهای دولتها قرار داشت و بسیاری از کشورها بازار داخلی خود را از تأثیر تغییرات بازارهای بین‌المللی حفظ کرده‌اند.

۹.۲ دخالت دولت در بازار کالاهای کشاورزی در ممالک توسعه یافته معمولاً به سود بخش کشاورزی است اگر چه به علت روابط بازار سطح حمایت برای مصرف‌کنندگان بخش خودکداری و مرغداری ممکن است منفی باشد مقدار و نوع این حمایت نسبت به کشور و به محصول تفاوت‌های زیادی را نشان می‌دهد. ژاپن و بعضی کشورهای اروپایی بالاترین سطح حمایت و استرالیا و نیوزیلند کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. ایالت متحد آمریکا و اروپا از این نظر در سطح میانی بوده‌اند. در تمام کشورها مواد لبنی و شکر از حمایت بیشتری نسبت به بقیه کالاها برخوردار بوده‌اند. بررسی حمایت‌های کشاورزی که توسط OECD (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) برای کشورهای توسعه یافته انجام شده و بر حسب درصد معادل یارانه تولیدکننده محاسبه می‌شود) نشان

می‌دهد که این حمایتها از ۳۰٪ در سالهای ۱۹۷۹-۸۱ به ۴۴٪ در ۹۰-۹۲ رسیده است.

۱۰.۲ ساختار حمایت‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه متنوع‌تر است. با توجه به سهم بالای کشاورزی در مبادلات و آسانی وصول مالیات‌های مرزی این کشورها صادرات کشاورزی را مالیات‌بندی کرده‌اند. از طرف دیگر به دنبال خودکفایی غذایی حمایت‌هایی از تولیدکنندگان غله به عمل آمده است. همچنین پرداخت یارانه به واردات مواد غذایی نیز از شاخص‌های کار در کشورهای در حال توسعه بوده است. با این حال غالباً اثرات غیرمستقیم حمایت‌های صنعتی و نرخ ارز بر بازار مواد غذایی بیشتر از اقدامات مستقیم بوده است. مطالعه بانک جهانی در ۱۸ کشور در حال توسعه که با روش تحقیق مشابه انجام گرفت نشان داد که در دوره ۱۹۸۰-۸۴ آثار این تمهیدات غیرمستقیم در اغلب کشورها بیش از تأثیر خط مشی‌های مستقیم بوده است. داده‌های مطالعاتی «خدمات تحقیقات اقتصادی» وابسته به وزارت کشاورزی آمریکا حاکی از آن است که در کشورهای در حال توسعه مالیات غیرمستقیم یکی از ابزارهای سیاست‌های سیستم رایج در این کشورهاست ولی در بعضی موارد حمایت‌های مستقیم در حد زیاد نیز در مورد بعضی کالاها اعمال می‌گردد.

۱۱.۲ ماهیت بازارهای کشاورزی در سیستم‌های اقتصادی «در حال گذر» نیز تحریف شده است. در دوره‌های قبل از اصلاحات، از تولیدکننده و مصرف‌کننده حمایت به عمل می‌آمد. به غلات، گوشت و لبنیات در حمایت از مصرف‌کننده یارانه بیشتری تعلق می‌گرفت حال آنکه برای شکر مالیات سنگینی وضع شده بود. برای تولید یارانه پرداخت می‌شد (براساس قیمت جهانی و به نرخ ارز رسمی) که به مواد اولیه و نرخهای تولیدکننده تعلق می‌گرفت و در این مورد به محصولات حیوانی توجه بیشتری شده است. با این حال روشهای تشویق تولیدکننده بخصوص در شوروی سابق نسبت به نرخ ارز بسیار متغیر است. به طور کلی این روشها عملاً تقاضای واردات را در بازار جهانی افزایش داده‌اند.

۱۲.۲ مبادلات کشاورزی سهم مهمی در افزایش امنیت غذایی در دهه ۱۹۸۰ داشته است. در این سالها منابع کافی مواد غذایی در بازارهای جهانی با قیمتهای کاهش یافته در دسترس بوده است. ناپایداری قیمتهای جهانی کاهش یافت. میزان غلات جهانی هرگز از سقف ۱۷٪ مصرف غلات جهان که توسط FAO به عنوان حداقل لازم برای امنیت غذایی جهانی تخمین زده شده است، سقوط نکرد. روند کمک غذایی، خصوصاً برای موارد ضروری افزایش یافت. اما علی‌رغم این توازن مثبت، نارساییهای زیادی نیز در سالهای ۱۹۸۰ آشکار گردید. بازارهای راكد کالا دورنمای رشد صادرکننده‌های کشاورزی را خدشه‌دار کرد و کناره‌گیری مستمر بسیاری از بازارهای ملی از بازار جهانی مبین این واقعیت بود که بازارهای جهانی بشدت نسبت به تغییر شرایط عرضه و تقاضا آسیب‌پذیر هستند و رشد تجاری در بسیاری از کشورها به بهای تخریب محیط زیست تحقق یافت. به طور کلی در ۶ سال اخیر شرایط تا حدودی متفاوت بوده است بدین صورت که ذخایر پایین قیمتها بالا و میزان کمکهای غذایی تا سال ۱۹۹۵ در پایینترین سطح خود از اواسط ۱۹۷۰ بوده‌اند.

تجارت و امنیت غذایی

مفهوم امنیت غذایی

۱.۳ امنیت غذایی به این معناست که تمام خانواده‌ها از نظر فیزیکی و اقتصادی به غذای لازم برای تمام افراد خانواده دسترسی داشته باشند و خطری این دسترسی را تهدید نکند. تأمین غذا یعنی منابع کافی برای کل مصرف جامعه وجود داشته باشد. منظور از ثبات آن است که احتمال کمتر بودن منابع غذایی نسبت به مصرف در سالها یا فصول سخت به حداقل برسد. دسترسی به این معناست که در بعضی موارد با وجود منابع غذایی کافی بعضی مردم به علت فقر قادر به تولید یا تهیه غذای مورد نیاز خود نیستند. علاوه بر این اگر مواد غذایی از طریق کاربرد منابع تجدیدناپذیر و یا همراه با

تخریب محیط زیست تهیه شوند ایمنی دراز مدت آن قابل تضمین است.

۲.۳ امنیت غذایی را می‌توان در سطوح مختلف تعریف کرد: برای کل جهان یا برای یک کشور، ناحیه یا حتی یک خانواده. در نهایت این ایمنی به افراد هر خانواده مربوط می‌شود و مبنای آن قدرت خرید یعنی آنچه با درآمد خانواده می‌توان خرید خواهد بود. به همین ترتیب قدرت خرید در سطح ملی، یعنی ارزش موجود برای خرید واردات غذایی کلیدی اصلی امنیت غذایی در سطح ملی است.

۳.۳ برای احراز ایمنی غذایی، دو روش عمده وجود دارد: تلاش برای خودکفایی غذایی و خود اتکایی غذایی. خودکفایی غذایی یعنی سعی در تهیه تمامی مواد غذایی در داخل کشور و به حداقل رساندن وابستگی غذایی به تجارت بین‌المللی. البته در اغلب کشورهای توسعه یافته اهداف برنامه‌های خودکفایی غذایی بیشتر انتقال درآمد به کشاورزان بوده است نه حمایت سیستم در مقابل ناپایدار، بعضی کشورهای در حال توسعه این روش را برای آن انتخاب کرده‌اند که در غیر این صورت خریدهای بین‌المللی آنها آنقدر زیاد می‌شد که قیمت بین‌المللی را افزایش داد این مطلب بخصوص در مورد برنج که بازارهای جهانی نسبتاً کوچکی دارد صادق بوده است. علت دیگری که باعث اتخاذ تصمیم به خودکفایی غذایی در بعضی کشورها شد آن بود که در شرایط تجارت آزاد آنها به علت قیمت بالای محصول به صادرکنندگان مواد غذایی تبدیل می‌شدند و این قیمتها باعث محروم شدن طبقه کم درآمد از این مواد غذایی می‌شد. بعضی دیگر کشورها مصمم شدند که حداقل مواد غذایی لازم برای مردم خود را تولید کنند که در مواردی مثل جنگ یا تحریم اقتصادی قادر به ادامه حیات باشند. مفهوم خود اتکایی غذایی امکانات تجارت بین‌المللی را نیز در نظر می‌گیرد. در این روش سطح معقول دستیابی به تولید داخلی و افزایش توان واردات مواد غذایی به منظور ترمیم نیاز غذایی کشور از طریق صادرات مواد غیرغذایی در نظر قرار می‌گیرد. فواید و زیانهای وابستگی به تجارت بین‌المللی برای تأمین مواد غذایی لازم اساس بحث انتخاب بین دو روش فوق است.

۴.۳ بازرگانی از راه ترمیم نیازهای تولید و مصرف، تعدیل تغییرات عرضه، کمک به رشد اقتصادی با استفاده بهینه از منابع جهانی و تولید مواد در مناسبترین محلهای ممکن به امنیت غذایی کمک می‌کند. اما تکیه کردن بر بازرگانی خطراتی نیز در بر دارد. این خطرات شامل تغییرات نرخ برابری ارز (ارزان شدن قیمت صادرات و گرانتر شدن واردات)، فقدان اطمینان از عرضه کافی، بی‌ثباتی قیمت‌های جهانی و افزایش عواقب ناگوار زیستمحیطی ناشی از سیاست‌های نادرست می‌باشد. مباحث فوق در دیگر پیوندهای مهم میان امنیت غذایی و تجارت بین‌المللی (مثبت و منفی) در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تجارت و قابلیت دسترسی به غذا

۵.۳ در کشورهایی که موانعی برای افزایش تولید کشاورزی وجود داشته بازرگانی بین‌المللی منجر به رشد فزاینده مصرف مواد غذایی نسبت به تولید شده است. در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ رشد تولید مواد غذایی در ۹۳ کشور در حال توسعه که تحت پوشش AT2010 هستند ۳/۳٪ در سال بوده حال آنکه مصرف داخلی هر سال ۳/۶٪ افزایش داشته است. همچنین تا حدودی به علت واردات غذایی کالری مصرفی سرانه از ۲۱۲۰ کالری در روز در سال ۱۹۶۹ - ۷۰ به ۲۴۷۰ کالری در سالهای ۸۸ - ۹۰ رسیده است و درصد افراد گرفتار فقر غذایی از ۳۶٪ به ۲۰٪ تقلیل یافته است.

۶.۳ در کشورهای در حال توسعه اگر افزایش قیمت مواد غذایی با بهره‌گیری از ابزارهای تشویق دیگر میسر بود مشکل تأمین غذای مورد نیاز از تولید ترمیم می‌شد. ولی از نظر اقتصادی نیل به خودکفایی غذایی می‌تواند بسیار پرهزینه باشد. این مطلب به خوبی در مقایسه قیمت داخلی برنج در ژاپن با قیمت جهانی آن یا قیمت جهانی گندم نسبت به قیمت گندم در عربستان سعودی آشکار می‌گردد. به طور کلی می‌توان اذعان نمود با تجارت بین‌المللی می‌توان نیازهای غذایی داخلی را با

قیمت کمتر از طریق واردات تأمین کرد. همچنین این تجارت تنوع مواد غذایی در دسترس را افزایش می‌دهد. این مطالب بخصوص در مورد کشورهای پردرآمد که بیشتر تجارتشان مربوط به تجارت مواد مشابه ولی متمایز می‌باشد صادق است. بخش اعظم^۱ تجارت جهانی که در اروپا انجام می‌شود از این نوع است. این مطلب بسیار شایان اهمیت است زیرا حتی کشورهای که از رشد تولید کشاورزی خوبی برخوردارند ممکن است به علت تغییرات مقطعی در رشد جمعیت، افزایش درآمد و رژیم غذایی مردم ناچار شوند از خودکفایی غذایی بکاهند.

۷.۳ با آنکه واردات مواد غذایی به امنیت کمک می‌کند کشورهای واردکننده دو نگرانی عمده دارند. نخست امکان تداوم واردات غذایی (از نظر قدرت خرید خارجی) و دوم دسترسی به مواد (عرضه آزاد) می‌باشد. ظرفیت واردات غذایی تابع قیمتها و شرایط واردات (شامل کمکهای غذایی) و وضعیت ارز خارجی است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به علت بازپرداخت بدهیها، شرایط بد معاملات و امکانات کم صادراتی محدود می‌گردد. در طول سالهای ۱۹۸۰ قیمت محصولات کشاورزی در بازار بین‌المللی کاهش یافته حال آنکه مصنوعات افزایش قیمت داشته‌اند. ارزش برابری صادرات مواد کشاورزی در مقابل واردات مصنوعات و نفت خام بین سالهای ۷۹ تا ۹۲، ۴۰٪ تقلیل یافته است.

علاوه بر آن تقلیل قیمتهای جهانی چنان بوده است که نه تنها افزایش تولید را خنثی کرده بلکه باعث تقلیل درآمد کل شده است.

۸.۳ افزون بر موارد فوق، سقوط قیمت کالاهای صادراتی یک کشور نیز می‌تواند امنیت غذایی آن را تهدید کند. از این رو کشورها (و خانواده‌های کشاورز) ناچار سطح خودکفای غذایی را بالاتر از حدی که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است حفظ می‌کنند که امکانی برای مقابله با نوسانات قیمت واردات داشته باشند. تأمین ذخیره‌های ارزی بیشتر راه منطقیتر برای رویارویی با

این مشکل است ولی ذخایر ارزی کشورهای در حال توسعه غالباً در این زمینه راهگشا نیستند. ۹.۳ قدرت خرید درآمد صادراتی یک کشور در بازار جهانی یکی از عوامل مهم امنیت است. برای کشورهای در حال توسعه به علت نوسانات در بازارهای انرژی، مالی و مواد، قدرت خرید صادرات در ۲۰ سال گذشته بسیار متغیر بوده است. ولی این نسبت به طور کلی برای اغلب کشورهای در حال توسعه بخصوص عقب‌افتاده‌ترین آنها رو به افزایش داشته است. به این ترتیب با وجود بازارهای متغیر، وضع واردات غذایی بتدریج بهبود یافته است. این وضع باعث شده که با اینکه واردات غذایی کشورهای در حال توسعه افزایش یافته، نسبت واردات غذایی به کل واردات برای اغلب کشورهای در حال توسعه ثابت مانده و در کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا کاهش قابل ملاحظه یافته است. (در این کشورهای این نسبت از ۱۶٪ در ۱۹۷۰ به ۶٪ در ۱۹۹۰ رسیده است). در همین دوره واردات غذایی در آمریکای لاتین از ۱۱٪ به ۱۰٪ و در آسیای غربی از ۱۴٪ به ۱۲٪ رسیده حال آنکه این نسبت در آفریقا از ۱۴٪ به ۱۵٪ افزایش یافته است. کاهش نسبت واردات مواد غذایی به کل واردات نشانه آن است که این کشورها در صورت نیاز از انعطاف بیشتری برای اختصاص ارز خارجی به مواد غذایی برخوردارند. در مقابل کشورهایی که واردات غذایی داشته‌اند بیشتر در معرض خطرات ناشی از تغییرات بازار مواد غذایی و مواد دیگر قرار دارند.

قابلیت اطمینان به منابع وارداتی

۱۰.۳ سیاستگذاران کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به خطرات دیگری که در پی وابستگی به تجارت بین‌المللی برای تأمین امنیت غذایی روی می‌دهد توجه دارند. امکان واردات بهنگام شرایط ضروری و توان رویارویی با پیامدهای تحریم تجاری سیاسی، دو معضل مطرح در این

راستاست. تغییرات بازار غلات نشانه‌هایی از تقلیل این خطرات نسبت به سالهای قبل در بر دارد. بازار جهانی غله به علت افزایش حجم معاملات از ۱۲۰ میلیون تن در سال ۷۰-۷۱ تا ۲۰۰ میلیون تن در سالهای ۹۰ باعث افزایش سیاست بازارهای غله شده است. امروز واردکنندگان بیشتر از سابق می‌توانند امیدوار باشند که افزایش واردات بدون تأثیر در قیمت جهانی میسر خواهد بود. امکانات زیربنایی جابه‌جایی و حمل‌ونقل مواد در کشورهای صادرکننده باید بخوبی از عهده نیازهای میان مدت برآیند. در سال ۸۴-۸۵ بیش از ۲۱۵ میلیون تن غله جابه‌جا شده است. واردکنندگان نیز امروزه به تنوع بیشتر از عرضه‌کنندگان در یک بازار رقابتی دسترسی دارند. شبکه‌های اطلاعاتی موجود قدرت بیشتری در اندازه‌گیری و کنترل محصول و مبانی نوسانات بازار دارند و رخدادهایی مانند خرید نمک شوروی سابق در سال ۱۹۷۲، امکان کمتری برای وقوع خواهند داشت. بازارهای آینده از پیشرفت چشمگیری برخوردار بوده و نقش مؤثری در تثبیت و مشکل قیمت‌ها خواهند داشت.

۱۱.۳ کشورهای تولیدکننده مواد غذایی بعضاً به علت شدائد داخلی ممکن است محدودیت‌هایی برای صادرات قایل شوند. مانند تحریم صادرات سویا از طرف ایالات متحد در سالهای ۷۳ و ۷۵ که به علت خطر افزایش بیش از حد قیمت داخلی تحقق یافت. اخیراً یعنی در سال ۹۵-۹۶ هم بعضی کشورهای اروپایی برای حمایت بازار داخلی صادرات بعضی محصولات را از طریق تعیین سهمیه یا مالیات محدود نمودند. با این حال تحریمهای اقتصادی اغلب واردات غذایی را شامل نمی‌شدند. مثلاً دولت جمهوری اسلامی ایران در سالهای ۷۹-۸۰ که تقریباً تمام ارتباطات بازرگانی - تجاری مالی و سیاسی خود را محدود کرده بود به خرید غله از آمریکا ادامه می‌داد. از طرف دیگر اجرای کامل تحریمهای سیاسی در عمل بسیار مشکل است و کشور تحریم شده اغلب می‌تواند از طریق کشورهای واسطه به مواد مورد نظر دست یابد.

تحریمهایی که مورد تصویب مجامع بین‌المللی قرار گیرند احتمال موفقیت بیشتری دارند ولی

احتمال اینکه شامل مواد غذایی شود، بسیار کمتر است. به هر حال هر نوع افزایش و استفاده از تحریمهای اقتصادی برای مواردی مانند اجرای حقوق بشر یا حفاظت محیط زیست بین‌المللی باعث افزایش بی‌ثباتی واردات غذایی می‌گردد.

تجارت و بی‌ثباتی مواد غذایی

تثبیت قیمت‌های تولید و خرید مواد برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از اهداف مهم می‌باشد. در شرایط خودکفایی کامل غذایی تغییرات در تولید فقط از طریق تغییرات در مصرف یا ذخایر جبران می‌گردد. برای اغلب کشورهای در حال توسعه راه حل اول به علت پایین بودن سطح مصرف و روش دوم به علت هزینه زیاد چاره‌ساز نیست از این رو اغلب کشورهای در حال توسعه برای تعدیل نوسانات تولید خود به بازار جهانی متکی هستند. این راه حل از تغییرات قیمت که علاوه بر نوسانات ارز تابع تغییرات جهانی قیمت کالا نیز هست جلوگیری نخواهد کرد. میزان بی‌ثباتی قیمت تابع تغییرات جهانی تولید، قدرت جذب نوسانات توسط بازار و نوع و اندازه ذخایر جهانی خواهد بود.

۱۲.۳ امنیت غذایی بیش از هر چیز به بی‌ثباتی بازار غله بستگی دارد. بی‌ثباتی مصرف غله بین سالهای ۶۰-۷۷ و ۷۸-۸۹ تقلیل یافته و این امر حاکی از آن است که ذخایر در ایالات متحد و به طور روزافزون در اروپا از عوامل مهم این پیشرفت می‌باشند. به علاوه حداقل تا سال ۱۹۸۹ نوسان قیمت ذخایر غله نیز به علت بهبود مدیریت ذخایر جهانی و یا بر اثر تمایل بیشتر کشورها به جذب بخش بیشتری از ابزار ناپایدار غله کاهش یافت. این امر علی‌رغم کوششهای بسیاری از کشورها برای ثبات قیمت‌های داخلی و جلوگیری از انتقال نوسانات قیمت‌های جهانی به بازارهای داخلی صورت گرفت. از دیدگاه یک کشور در حال توسعه، جنبه حائز اهمیت روند تطابق مصرف به منزله

تغییر مصرف غله به عنوان خوراک دام می‌باشد که اصطلاحاً «ذخیره خوراک دام» نامیده می‌شود، وقتی قیمت‌های جهانی بالا برود، میزان غله‌ای که به دامها داده می‌شود کاهش یافته بنابراین کمبود تولید را به میزان جزئی جبران می‌نماید. این امر زمانی می‌تواند تحقق یابد که تولیدکنندگان دیگر مواد غذایی را جانشین غله کنند و یا اندازه گله کاهش یابد که این متداولتر است. برای مثال زمانی که قیمت غلات در سالهای ۱۹۷۲ تا ۷۴ افزایش یافت، کاهش مصرف مواد غذایی در ایالات متحد به اندازه کمبود تولیدات جهانی بود.

۱۳.۳ از سال ۱۹۹۳، موقعیت عرضه و تقاضا مستحکمتر شده کاهش چشمگیری در کل ذخایر موجود در کشورها اصلی صادراتی، خصوصاً ایالات متحد و جامعه اروپا به چشم می‌خورد. تخمین زده می‌شود که قیمت گندم و ذرت در نتیجه اقدامات مذکور به اندازه ۱ قیمت آن در ۱۹۹۵ و ۹۶ نسبت به ۹۴ و ۹۵ افزایش خواهد یافت. (۱۵) با مروری بر تجربیات ۲۵ سال گذشته مشخصه بازار جهانی غلات بیشتر در رشد غیرمعارف قیمت‌ها تجلی می‌یابد و بی‌ثباتی نقش مؤثری را ایفا می‌کند. برای کلیه کشورهای وابسته به واردات غله، خصوصاً کشورهای بسیار متغیر، جنبه مهم تحولات تجاری برای نیل به امنیت غذایی، ارزیابی تأثیر محتمل آن بر بی‌ثباتی جهانی است. از آنجایی که ذخایر جهانی احتمالاً در سالهای ۱۹۹۰ در مقایسه با دهه قبل نسبتاً کم خواهد بود و به رغم مشارکت بیشتر ذخایر خصوصی شانس دادن افزایش مقطعی قیمت‌ها بیشتر از گذشته خواهد بود.

تجارت و رشد درآمد

۱۴.۳ روش مهمی که تجارت بین‌المللی برای نیل به امنیت غذایی ارائه می‌کند، تسریع افزایش درآمد ملی است. رشد اقتصادی به دو روش می‌تواند امنیت غذایی را افزایش دهد. یکی اینکه کنترل افراد بر منابع و در نتیجه دسترسی آنان به غذا را افزایش دهد، و همچنین که درآمد افزایش

می‌یابد مقداری از آن که صرف مواد غذایی می‌شد کاهش یافته احتمال بروز عدم امنیت غذایی نیز تنزل می‌یابد. مع‌هذا اگر افزایش و رشد اقتصادی ملی در جهت منافع مردم فقیر نباشد امنیت غذایی آنها بهبود نیافته در بعضی موارد وخیمتر نیز می‌شود.

۱۵.۳ تجارت از راههای زیادی به رشد اقتصادی کمک می‌کند. در وحله اول کشورها را قادر می‌سازد تا از سود نسبی بهره‌مند گردند. سپس افزایش صادرات تولیدات را گسترش می‌دهد. در مرحله سوم امکانات وسیعتری را برای انتقال سرمایه و دانش فنی، خصوصاً از طریق سرمایه‌گذاری خارجی به کار می‌گیرد. با اینکه نقش شرکتهای چند ملیتی کشاورزی در گذشته بیشتر مورد بحث بوده است، منافع مدیریتی که این شرکتهای می‌توانند در تولید فرآوری و بازاریابی ارائه‌کننده بتدریج بیشتر شناخته می‌شود.

در هر حال، تأثیر آن ممکن است روی کشاورزان بزرگتری که محصولات تجاری تولید می‌کنند بهتر باشد تا روی خرده‌کشاورزان کم درآمد.

۱۶.۳ منابع مکتوب اقتصادی به طور نظری همسویی رشد اقتصادی و تجاری را تأیید می‌کند. رشد محصولات ممکن است محدودیت تبادلات خارجی را آزاد کرده سطوح واردات را افزایش دهد، بنابراین اگر رشد محصولات داخلی بر اثر ثابت نگه‌داشتن سطح واردات محدود شده باشد، آن را نیز افزایش خواهد داد. این امر کارخانجات را از محدودیتهای بازار داخلی رهانیده آنها را از مزایای تولید انبوه بهره‌مند می‌سازد. قرار گرفتن در معرض رقابت خارجی به رفع عدم بازدهی که ممکن است در اثر اقتصاد نسبتاً محدود به وجود آمده باشد کمک کرده فعالیتهای غیر تولید مانند واسطه‌گری را از بین می‌برد. دسترسی به بازارهای خارجی، دستیابی کشورها به عقاید و افکار نو، دانش و تکنولوژی جدید را به ارمغان می‌آورد.

۱۷.۳ در هر حال در زمان اتخاذ سیاست، صحت نتایج نظری مبتنی بر مدل‌های ساده شده دنیای

واقعی مورد تردید قرار می‌گیرد. بنابراین یک مدرک تجربی است که می‌تواند بیش از همه قانع‌کننده باشد. اکنون دو قلمرو تحقیق مطرح می‌شود: یکی بر مطالعات موشکافانه مبتنی بر چند کشور براساس روشهای حمایت از محصولات داخلی و آزادسازی متمرکز است و دیگری بر اساس تحلیل سیر نزولی روابط بین رشد صادرات و عملکرد اقتصادی در داخل کشور استوار است.

۱۸.۳ شواهدی از مطالعات موشکافانه چند کشوری شامل مطالعات دفتر ملی تحقیقات اقتصادی ایالات متحد که توسط، (Krueger (1978), Bhagaret (1978) اجرا شد و بررسی بانک جهانی در ۱۹ کشور مختلف که در سال ۱۹۹۱ بنام Chokli و Papageorgisa, Michaely منتشر شد می‌گردد. این بررسیها سعی دارند کشورها را به سیستمهای مختلف تجاری طبقه‌بندی کنند (و در مطالعات بانک جهانی به سیستمهای مختلف تجاری در دوره‌های زمانی متفاوت) و ارتباط میان جهت‌گیری تجاری و عملکرد اقتصادی را بررسی کنند. کلید این معا تهبه فهرستی از جهت‌گیریهای تجاری و استفاده از آن جهت طبقه‌بندی کشورها بر اساس گستره جهت‌گیری تجاری است. طبقه‌بندی سیاست تجاری یک کشور بر اساس عوامل مختلفی مانند میزان حمایت از محصولات داخلی، استفاده از ابزارهای کنترل مستقیم مانند سهمیه و مجوز واردات، حمایت و ایجاد طرحهای تشویقی برای صادرات و افزایش نرخ ارز برگشتی صورت می‌گیرد.

سازمان بین‌المللی پول (IMF) اخیراً بر اساس کاربردهای قبلی این روش تحقیق از سوی بانک جهانی، عملکرد اقتصادی چهار گروه از کشورهای در حال توسعه را که دارای سیاستهای متفاوت تجاری هستند. با هم مقایسه کرده است.

نتایج حاصل عمدتاً مبتنی بر آن است که تجارت آزادتر، باعث عملکرد اقتصادی بهتر می‌گردد.

۱۹.۳ مطالعاتی از این قبیل مشکلات زیادی را در بر دارد. طبقه‌بندی کشورهای مختلف در

گروه‌های تجاری مسلماً مبنای نظری دارد. اما ریشه‌یابی این مسئله بدرستی دنبال نشده است. علت ممکن است این مسئله باشد که اقتصادی در حال توسعه بیشتر می‌تواند حمایت را از بین ببرد تا اقتصاد را کد. نویسندگان مختلف پرسیده‌اند که آیا نتایج همواره برای کشورها در هر سطحی از توسعه که باشند باقی می‌ماند؟ خصوصاً اینکه آیا یک «آستانه تأثیر» وجود دارد به طوری که رشد تنها زمانی به جهت‌گیری تجاری مربوط می‌شود که کشورها به یک حداقل سطح پیشرفت رسیده باشند. دیگران بر این ادعا صحه می‌گذارند که چنین مطالعاتی اهمیت شرایط بازار جهانی را در تحقق یک سیاست جاری موفق نادیده می‌گیرند.

۲۰.۳ روش دیگر به بررسی این مطلب می‌پردازد که آیا رابطه مثبتی بین رشد اقتصادی و صادرات وجود دارد که به طور تلویحی این تصور را پدید می‌آورد که رشد بیشتر صادرات با تجارت آزاد همسویی دارد. تحقیقات اخیر نشان داده است که ارتباط تنگاتنگی موجود است و رشد سریعتر صادرات با رشد بیشتر تولیدکننده‌های در حال توسعه رابطه متقابل دارد. مع‌هذا این شیوه برخورد به دلیل پیوند آن با روشهای ساده آماری و فقدان روشهای علت‌یابی شدیداً مورد انتقاد است. ممکن است افزایش تولید دلیل قابل توجهی برای افزایش صادرات باشد یا برعکس.

همچنین بحث در این مورد نیز مطرح است که اگر کشورهای زیادی این سیاست تجارت خارجی را اتخاذ نمایند ممکن است عواقب ناگواری بر ساختار تجارت داشته باشد و در نتیجه موج افزایش صادرات، بازارهای واردات کشورهای صنعتی را انباشته کرده باعث حمایت نامطلوب از تولید داخلی می‌گردد.

تجارت، توزیع درآمد و امنیت غذایی خانواده

۲۱.۳ اگر قلمرو رشد اقتصادی به طور گسترده‌ای تنها کم درآمدترین خانواده‌ها را در بر

گیرد، عملکرد آن منحصر به تأمین بهتر غذای خانواده خواهد بود. تنها در صورتی که تجارت در توسعه فراگیر اقتصادی مشارکت داشته باشد می‌تواند فرصتهای شغلی و درآمدزایی خانواده‌های فقیر را ارتقاء دهد و نقش مهمی را در بهبود امنیت غذایی خانواده ایفا کند.

۲۲.۳ با وجود این، بنابر دلایل تحقیقاتی که تاکنون به انجام رسیده است اثبات دقیق اینکه آزاد سازی تجارت باعث رشد سریعتر اقتصاد می‌گردد دچار مشکل بوده است و شواهد محکمی دال بر اینکه آزادسازی تجارت عامل اصلی در سیاستهای فزاینده رشد می‌باشد، موجود است. یک مسئله دیگر که مستقیماً به تضمین امنیت غذایی خانواده مربوط می‌شود، تأثیر آزادسازی تجارت بر فقر و توزیع درآمد است. اگر مزایای رشد مبتنی بر تجارت به طور عمده بر روی خانواده‌های ثروتمند متمرکز شود، ممکن است امنیت غذایی خانواده برای بسیاری از مردم علی‌رغم روند بالای رشد اقتصاد، بدتر شود.

۲۳.۳ این نکته ذکر شده است که رشد سریع اقتصادی در کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی همراه با بهبود وضع اشتغال و توزیع درآمد و کاهش سطح فقر کامل شده است. در هر حال در حالی که رشد سریع اقتصادی در چنین کشورهایی مربوط به توسعه جهتگیری صادراتی است. عوامل دیگر نظیر اصلاح اراضی، سیاستهای محافظه کارانه اقتصاد کلان تأکید بر توسعه اراضی و بهبود سطح آموزش همچنان وجود دارند. با در نظرگیری مشکلات موجود در تعیین نرخ فقر و یا تغییر در توزیع درآمد در طول زمان، مطالعاتی که می‌کوشند تجارت و فقر را پیوند دهند، غالباً بر متغیرهای واسطه مانند اشتغال یا دستمزدهای واقعی متمرکز هستند. پیشفرض کلی این است که رشد سریع اقتصادی حاصل از سیاستهای تجاری باید منجر به افزایش بیشتر اشتغال و بهبود توزیع درآمد گردد. اما رابطه بین سیاستهای تجاری و اشتغال پیچیده است و متأثر از چند عامل است. الف) تأثیر انتخاب سیاست تجاری در روند کلی رشد. ب) تأثیر بر روی تقاضا برای نیروی انسانی از طریق تأثیر سیاست

تجاری بر روی ساختار تولید. وج) تأثیر سیاست تجاری بر قیمت‌ها.

۲۴.۳ شواهد تجربی براساس روابط بلند مدت بین تجارت و ایجاد اشتغال نشان می‌دهد که در بیشتر کشورهای در حال توسعه، صنایع قابل صدور نسبت به صنایعی که با واردات رقابت می‌کنند، بیشتر روی نیروی انسانی متمرکز می‌باشند (نیروی انسانی فشرده‌تری دارند). همچنین از نیروی انسانی غیرماهر بیشتری نسبت به بخشهای در رقابت با واردات بهره می‌برند (بخشهای داخلی). میزان اشتغال نیز در سیستمهای اقتصادی با جهتگیری خارجی سریعتر رشد می‌کند اخیراً بانک جهانی متذکر شده است که در طول این دو دهه اخیر دستمزدهای حقیقی تا حد ۳٪ در کشورهای در حال توسعه‌ای که رشد صادرات آنها و نسبت آن در کل تولید خالص داخلی (GDP) بیش از حد معمول بوده است، افزایش یافته در حالی که در کشورهای که صادرات رشد کمتری داشته دستمزدها را کد مانده است.

به طور عمومی فقر تحت تأثیر ماهیت رشد مبتنی بر تجارت قرار می‌گیرد. مسائلی مانند میزان دسترسی شرکتهای کوچک و متوسط به بازارهای صادرات و همچنین توجه به بهبود سرمایه انسانی توسط تحصیلات، آموزش و سلامتی حائز اهمیت است، اگرچه نقض حقوق قانونی به عنوان مشکل اساسی مردم فقیر باقی می‌ماند زیرا اگر گرسنگی از بین نرود مردم نمی‌توانند از مزایای رشد سرمایه بهره‌مند گردند.

۲۵.۳ در مناطقی که تولید برای صادرات افزایش می‌یابد، و این نگرانی وجود دارد که مصرف غذا و سطح تغذیه‌ای خانواده‌های بسیار فقیر کاهش یابد. تأثیر مکانیسمهایی که در آنها تولید صادرات می‌تواند روی مصرف و سطح تغذیه تأثیر بگذارد شامل تأمین غذا در سطح محلی و ملی، دسترسی خانواده‌ها به غذا و توزیع داخلی غذا در خانواده نیز می‌شود. برای مثال اگر تولید افزایش یافته برای صادرات دسترسی به غذا در سطح محلی را کاهش دهد، قیمت مواد غذایی محلی بالا

می‌رود. این امر ممکن است به تغذیه مردم فقیر روستای که از مزایای محصولات صادراتی سهمی نمی‌برند اما مواد غذایی مورد نیاز خود را در همان بازارها تهیه می‌کنند لطمه بزند. در اینجا مشکل اصلی نارساییهای بازار روستایی زیربنای حمل و نقل و یا سیاستهای موجودات که از انتقال غذا از جایی به جایی دیگر جلوگیری می‌کند، اگر تولید صادرات نیاز به نیروی انسانی کمتری داشته باشد اشتغال حاصل از آن ممکن است تأثیر نامطلوبی بر امنیت غذایی کارگران خوش نشین مزارع داشته باشد. همین طور زمانی که درآمد حاصل از محصولات صادراتی توسط مردان خانواده کنترل شود، به دلیل آنکه مردان کمتر تمایل دارند این درآمد را صرف مواد غذایی نمایند، امنیت غذایی زنان و کودکان در خانواده ممکن است در معرض خطر قرار گیرد.

۲۶.۳ ارتباطاتی فرضی از این قبیل باید با دلیل و مدرک به بوته آزمون سپرده شود. شواهدی که اخیراً از یک سری مطالعات مدون توسط انجمن تحقیق سیاست بین‌المللی غذا (IFPRI) به دست آمده دال بر آن است که تغییر مسیر خرده مالکان غذای اصلی به تولید صادراتی تأثیر منفی بر تغذیه نداشته است. در مناطقی که مطالعه صورت گرفته، پی برده‌اند که علی‌رغم گرایش منطقه به محصول تجاری تولید غذای اصلی نسبت به تعداد افراد (تعداد افراد تولیدکننده غذای اصلی) در سطح بالایی باقی مانده و یا حتی در گروههای شرکت‌کننده نسبت به کسانی که در این کار شرکت نکرده‌اند افزایش یافته است. اشتغال بخصوص در مورد کارگران استخدام شده و درآمد بالاتر بوده در هیچ منطقه‌ای تأثیر نامطلوب بر تغذیه کودکان نداشته است.

۲۷.۳ فشارهای تجاری بخشی از مقوله فراگیر بهینه‌سازی کشاورزی و دگرگونی در رفاه و بهزیستی و توزیع مواد می‌باشد. تجارت و دادوستد فرصتهای جدیدی برای تخصص و تبادل به وجود آورد و معمولاً همراه با تغییر ساختاری است. به دلیل آنکه تولیدکنندگان کوچک دچار اغلب دچار کمبود منابع لازم برای رشد محصولات صادراتی هستند، ممکن است قادر نباشند در این رشته و

توسعه شرکت نمایند. در مقابل احتمال دارد از نظر آنان گسترش تجاری اثر تورمزایی بر قیمت تولیدات و اجاره زمین داشته باشد به طوری که تولیدات سنتی آنها را نیز کمتر امکانپذیر نماید. تولیدکنندگان کوچک ممکن است زمینهای خود را ترک کنند و یا توسط صاحبان تجارت‌های بزرگتری خریداری شوند. تولید صادرات گاهی اوقات مربوط به اقدامات سرمایه‌داران بزرگ می‌شود که باعث جابه‌جایی کشاورزان کوچک از زمین خود می‌گردد. عموماً جایی که داراییهای تولید توسط گروه اندکی کنترل شده روابط اجتماعی نابرابر غالب است، صادرات کشاورزی ممکن است موقعیت اکثر فقرا را بدتر کند. در ارزیابی چنین مسائلی این مسئله حائز اهمیت است که تنها به تأثیر تجارت از نقطه نظر تولیدکنندگان توجه نشود بلکه تأثیر آن بر اشتغال و مصرف‌کنندگان در بخشهای دیگر نظام اقتصادی غیر در نظر گرفته شود. هر جا مشکلی وجود دارد، اغلب مربوط به انحراف سیاستگذاری و شکست سازمانی (نهادی) است تا تجارت مطلق.

۲۸.۳ نگرانی دیگری که در مورد آزادسازی بازارهای غذایی یک کشور برای تجارت وجود دارد این است که این امر باعث افزایش رقابت برای مواد غذایی بین مصرف‌کنندگان ثروتمند در کشورهای پردرآمد و مصرف‌کنندگان کم‌درآمد در کشورهای در حال توسعه می‌گردد. مصرف گوشت در کشورهای توسعه یافته و به طور روزافزون در کشورهایی با درآمد متوسط به دلیل بالا بردن تقاضا برای تولید غلات به عنوان خوراک دام، افزایش قیمت‌های جهانی و کاهش امنیت غذایی فقرا مورد انتقاد است. این نگرانی مسائل زیادی را به دنبال دارد. نخست آنکه کلیه دامها از غلات تغذیه نمی‌کنند و بعضی حیوانات ممکن است از بعضی منابع کشاورزی استفاده کنند که در غیر این صورت بلااستفاده می‌مانند. مورد دوم آنکه فقدان تقاضای تغذیه باغات، کاهش تولید بخشی از غلات را به دنبال دارد. تقاضای کمتر برای غله دام می‌تواند نرخ رشد منفی «کاهنده قیمت» در تولید غلات را کاهش دهد (یعنی باعث افزایش قیمت شود). مورد سوم همان طور که در بالا ذکر شد آن است

که به دنبال افزایش ناگهانی و شدید قیمت غلات در دنیا تغذیه دام با غلات مقرون به صرفه نخواهد بود. بنابراین همچنان که تقاضا برای غله دام شروع به کاهش می‌نماید، فشار وارد بر منابع نیز باید کمتر شده در نتیجه افزایش قیمت‌ها تعدیل می‌شود.

تجارت، پایداری و امنیت غذایی

ملاحظات عمومی

۱.۴ به مرور زمان امنیت جهانی غذا به حفظ و نگهداری منابع طبیعی برای تولید مواد غذایی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وابسته می‌شود. شواهد روزافزونی وجود دارد که نشان می‌دهد هر قدر تولیدات کشاورزی فشرده‌تر شوند، خطرات قابل توجهی وجود دارد که منابع طبیعی از بین بروند مگر آنکه اقدامات ذخیره‌ای حفاظتی خاصی در منطقه انجام گیرد. تخریب خاک، بیابانزایی، آب گرفتگی، جنگلزدایی، مصرف بی‌رویه ذخایر آب و آلودگی شیمیایی ناشی از کاربرد نهاده‌های کشاورزی همه تهدیدی جدید برای نگهداری و افزایش سطح تولید مواد غذایی به شمار می‌روند.

۲.۴ به دلیل آنکه تجارت کشاورزی بر حجم و محل تولیدات کشاورزی تأثیر می‌گذارد، ممکن است اثرات مثبت یا منفی مهمی بر محیط زیست داشته باشد. برای نمونه ایالات متحد آمریکا همراه با کالای صادراتی، در حقیقت خاک خود را نیز صادر می‌کند. شواهد حاصل از مطالعاتی که بر اساس شاخص تأثیر آلودگی بر کالاهای مختلف کشاورزی انجام شده، نشان می‌دهد که محصولاتی که ایالات متحد با بهترین کیفیت در بازار جهانی ارائه می‌دهد، آلوده‌ترین محصولات نیز هستند. این مسئله مقدمه‌ای است بر تدابیر و روشهایی جهت برخورد با تخریب بی‌رویه خاک (برنامه حفاظتی جنبی و تمهیدات حفاظتی تطبیقی).

۳.۴ عملیات کشاورزی اغلب منجر به مشکلات زیستمحیطی می‌گردد. در بعضی کشورهای توسعه یافته یارانه‌های معین کشاورزی، بازارها را تقویت می‌کنند اما در موارد دیگر یارانه‌ها برای عدم به کارگیری زمین برای محصولات کشاورزی پرداخت می‌شود. همین طور در بعضی کشورهای در حال توسعه قیمت نهاده‌ها مانند آب، کود، آفت‌کشها به طور مصنوعی پایین نگه داشته شده‌اند. در چنین شرایطی این کار تولیدکنندگان را تشویق کرده تا نسبت به محصولات خاصی تخصص یابند و استفاده از نهاده‌ها را تشدید کرده باعث از بین رفتن آب و خاک شده انواع دیگر سوء مدیریتهای زیستمحیطی را سبب می‌شود. در هر حال اکثر کشورهای در حال توسعه از پایین بودن سطح تولید رنج می‌برند و به منظور ارتقای سطح محصول نیاز به افزایش مواد اولیه دارند تا از مشکلات زیستمحیطی که بر اثر گسترش اراضی تحت کشت در نواحی حاشیه‌ای به وجود آمده جلوگیری کنند.

۴.۴ از آنجایی که عواقب ناگوار اقدامات کشاورزی بر سلامتی و محیط زیست افزایش یافته است، کشورها معیارهای متعددی را برای امنیت غذایی و زیستمحیطی و کیفیت غذایی معرفی کرده‌اند. چنین معیارهایی به طور غیر یکنواخت در سراسر کشورها معرفی شده‌اند. مع هذا باعث بروز نگرانیهایی در این خصوص شده که رقابت کشاورزی در کشورهایی با سطح بالای استاندارد ممکن است تضعیف شود و همچنین افزایش تقاضا برای بهره‌گیری از اقدامات تجاری را برای حمایت تولیدکننده‌ها در رقابت با کشورهای با استاندارد پایین و افزایش استانداردهای زیستمحیطی در چنین کشورهایی را تشدید می‌کند. همزمان با این اقدامات بعضی کشورها از آن بیم دارند که استانداردهای بالاتر اثرات حمایتی غیرمستقیمی داشته باشد و دستیابی به بازارهای پیشرفته کشور را برای آنان مشکلتر سازد.

۵.۴ بنابراین مسائل تجاری و زیستمحیطی در دو زمینه بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. نخست مقوله تأثیر تجارت مطرح است به بیان دیگر تجارت چطور روی محیط زیست تأثیر می‌گذارد.

مسئله دوم روشی است که توسط آن معیارهای زیستمحیطی شرایط رقابت را تغییر می‌دهد و موجب حمایت از محصولات کشاورزی با استانداردهای پایینتر زیستمحیطی می‌گردد. همان طور که پیشتر بحث شد، تجارت و محیط زیست می‌توانند با یکدیگر سازگار بوده مکمل هم باشند، مشروط بر آنکه سیاستهای خاصی تحقق یابند. این تأثیر متقابل هر دو اخیراً توسط کمیته تجارت و محیط زیست (CTE) وابسته به سازمان تجارت جهانی WTO بررسی شده است که در آن اقدامات زیستمحیطی بر روی دستیابی به بازار به ویژه در ارتباط با کشورهای در حال توسعه مد نظر قرار می‌گیرد و همچنین منافع زیستمحیطی حاصل از رفع محدودیتهای تجاری مورد مطالعه قرار گرفته است.

ملزومات زیستمحیطی برای آزادسازی تجارت کشاورزی

۶.۴ اصلاح تجارت بر بعد و ساختار آن تأثیر دارد. که توسعه بازار و رشد مبتنی بر اصلاح تجارت را در بر می‌گیرد. اثر ساختاری مربوط به تغییرات در الگوی تولید و استفاده از منابع است. به دنبال اصلاح سیاستهای کشاورزی، قیمت در کشورهای پرداخت کننده ایران پایین می‌آید اما در کشورهای بدون یارانه افزایش می‌یابد. بنابراین اثر مقیاس محدود خواهد بود و مهمترین مسئله تجربه است و این پرسش مطرح است که آیا میان منابع زیستمحیطی ناشی از کاهش تولید در کشورهای پرداخت کننده یارانه با هزینه‌های زیستمحیطی تولید فزاینده در کشورهای بدون یارانه توازن وجود دارد؟

۷.۴ تأثیر زیستمحیطی آزادسازی تجارت نمی‌تواند به صورت مستقیم از روی اندازه‌گیری متداول تغییرات در حجم محصولات کشاورزی تخمین زده شود. بنابراین برای مثال زمانی که یک تن برنج دو برابر یک تن گندم قیمتگذاری می‌شود، کسی نمی‌تواند حدس بزند که تأثیر زیستمحیطی یک تن اضافه برنج دو برابر تأثیر زیستمحیطی یک تن اضافه گندم می‌باشد. برآورد وزنه‌های مورد نیاز در هر منطقه تأثیر زیستمحیطی هر کالایی را در آن منطقه بهتر منعکس می‌سازد.

تأثیرات زیستمحیطی در کشورها یکسان نیستند. تولید انبوه خوک در چین و هلند مشترک است اما در چین کود یک محصول ثانویه قیمتی است که به عنوان یک حاصلخیزکننده و یا برای تولید سوخت، به صورت متان بازیابی می‌شود. در حالی که در هلند، آلودگی زیادی از حجم انبوه ضایعات نامطلوب کود ایجاد می‌شود. سازمان غذا و کشاورزی دستور کاری را برای ارزیابی اقتصادی تأثیرات زیستمحیطی ناشی از تولید و فرآوری محلی کالاها در کشورهای تولیدکننده به وجود آورده است که می‌تواند تحلیلها و بررسیها را در آینده تسهیل نماید.

۸.۴ آزاد سازی تجارت کشاورزی بخوبی می‌تواند خسارت جهانی زیستمحیطی را کاهش دهد مع‌هذا فشارهای زیستمحیطی در هر کشور الزاماً کاهش نمی‌یابند و در بعضی کشورها ممکن است افزایش پیدا کنند.

نکته حائز اهمیت، تأثیر زیستمحیطی تغییر در استفاده از منابع در هر کشور است که آن هم مربوط به اثر زیستمحیطی کاربردهای مختلف از این منابع است. تأثیرات اصلی چنین آزادسازی از سه منبع حاصل می‌گردد. نخست متغیر موقعیت بین‌المللی تولید محصول با یارانه بالا و نهاده شیمیایی بالا (نهاده) و به کشورهای با یارانه پایین، مصرف مواد شیمیایی در تولید غذای جهانی را کاهش می‌دهد. مصرف مواد شیمیایی در کشورهایی با یارانه پایین، از جمله کشورهای در حال توسعه، حتی اگر در سطح نسبتاً پایینتری قرار داشته باشند افزایش می‌یابد. دوم اصلاح تجارت منجر به کاهش تقاضا برای زمین در کشورهای با یارانه بالا و افزایش تقاضا برای زمین جهت محصولات کشاورزی در کشورهایی با یارانه پایین از جمله کشورهای در حال توسعه می‌شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد که زمین نسبت به تغییر قیمت‌های زراعی کمترین، آسیب‌پذیری را دارد و گسترش اراضی کشاورزی ناشی از افزایش قیمت‌ها، به عنوان یکی از دستاوردهای اطلاعاتی اروگوتیه بسیار اندک خواهد بود. ثانیاً اگر اصلاح تجارت صادرات محصولات را تقویت کند که نیروی انسانی بیشتری نسبت به تولید

غذای اصلی نیاز دارند. این امر به کاهش فشار وارده بر جنگلها که حاصل از پیشروی مزرعه‌داری ضروری است، کمک می‌نماید.

آزادسازی تجارت در درختان جنگلی منطقه گرمسیری تأثیر مستقیم بیشتری بر روند جنگلزدایی دارد. بالا رفتن قیمت‌های الوار (Producer) به دنبال آزاد سازی ممکن است منجر به افزایش قطع درختان جنگلی تجاری باقی مانده در کشورهای تولیدکننده گردد اما همچنین می‌تواند انگیزه مهمی برای مدیریت درختان جنگلی فراهم آورد.

۹.۴ در جایی که مشکلات زیستمحیطی توسط تجارت وخیمتر می‌شوند، عموماً تجارت علت ریشه‌ای مسئله نیست. خسارت زیستمحیطی معمولاً به دلیل انحراف سیاست‌های داخلی است و یا به علت آنکه هزینه‌های خصوصی، هزینه اجتماعی استفاده از منابع را به طور کامل منعکس نمی‌کند.

در موقع شکست بازار، سیاست درست برای پاسخگویی به چنین شکست‌هایی بین‌المللی کردن هزینه‌های زیستمحیطی حساب نشده است. این می‌تواند توسط تنظیم و (یا) استفاده از وسایل (تجهیزات) اقتصادی مبنی بر بازار صورت گیرد اما این مسئله باید تشخیص داده شود که بخصوص در کشورهای در حال توسعه، مکانیسم‌های بازاری و اداری برای تحقق بخشیدن این سیاستها ممکن است هنوز در جای صحیح خود نباشد. علاوه بر آن بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای بهره‌برداری از منابعشان بدون توجه به نتایج دراز مدت تحت فشار زیادی هستند. این بیشتر نتیجه فقر است تا میل به بهره‌برداری از محیط زیست برای مقاصد رقابتی، در نتیجه کمک همه جانبه جهت تحقق بخشیدن بر سیاستهای زیستمحیطی یک پاسخ سیاسی مطلوب محسوب می‌شود.

۱۰.۴ حتی با فقدان سیاستهای صحیح زیستمحیطی، تجارت می‌تواند بهبود یابد. معیارهای حاصل از آزادسازی تجارت ممکن است برای جبران هزینه‌های زیستمحیطی حاصل از تولید کشاورزی افزایش یافته کافی باشد. اگر به مرور زمان این افزایش درآمد به میزان قابل توجهی

باشد، اثر مثبتی بر تقاضای تداوم زیستمحیطی دارد.

تأثیر استانداردهای محیط زیست بر تجارت کشاورزی

۱۱.۴ استانداردهای محیطی و دیگر استانداردها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

استانداردهای روشهای تولید (PPM) و فرآوری که استانداردهای تولید محصول را توصیه می‌کنند و استانداردهای محصول که مشخصات محصول قابل مصرف را معین می‌سازند.

استانداردهای تولید معیارهای لازم برای آزاد سازی مواد مضر و سطوح آلودگی (مثلاً حداکثر آلودگی مجاز فاضلاب) را معین می‌کنند. مقررات بهره‌برداری از جنگلها، روشهای ماهیگیری، روشهای پروراندی حیوانات برای ذبح، روشهای افزایش تولید شیر و روشهای مجاز ذبح حیوانات نمونه‌هایی از این استانداردها هستند. روشهای فرآیند تولید و استانداردهای محصول دو نگرانی عمده را پدید می‌آورند.

در مورد PPM این خطر وجود دارد که ارتقای استانداردهای داخلی باعث افزایش قدرت رقابت تولیدکنندگان سایر کشورها شود و در مورد استاندارد محصول بازار کشورهای صادرکننده با ارتقای استاندارد محصول در کشور خریدار تهدید می‌گردد. در مورد PPM تا آنجا که کشورهای وارد کننده معیارهای محیطی خود را به صادر کننده تحمیل می‌کنند استفاده از این استانداردها دسترسی به بازار فروش را محدود خواهد کرد.

۱۲.۴ اصولاً اعمال مقررات زیستمحیطی ساختار هزینه نسبی مواد اولیه (impur) با قابلیت دسترسی آنها را تغییر می‌دهد و در نتیجه تغییراتی در ترکیب تخصصی شدن تجارت جهانی پدید می‌آورد. مقررات زیستمحیطی باعث کاهش تخصص در تولید محصولات آلوده در کشورهای ذی‌ربط می‌گردد. در مقابل کشورهایی که از استاندارد آزادتری در این مورد برخوردارند می‌توانند

سهم خود را در بازار محصولات با آلودگی بیشتر افزایش دهند. میزان تأثیر این عوامل در عمل به اصلاحات این استانداردها در کشورهای مختلف اثرات استانداردها در هزینه و نیز هزینه‌های زاید بر بازار رقابت بستگی دارد.

۱۳.۴ تقاضای حفاظت محیط معمولاً با ارتقای درآمد، افزایش می‌یابد. لذا مقررات حفاظت محیط زیست معمولاً ابتدا در کشورهای پیشرفته پدیدار می‌گردد.

همچنین از آنجا که کشورهای در حال توسعه تولید کمتری دارند تولید مواد زائد آنها کمتر است. و ممکن است نیاز کمتری به مقررات حفظ محیط زیست داشته باشند. به این ترتیب برای کشورهای در حال توسعه انگیزه‌ای برای افزایش سهم بازار در محصولات آلوده کننده وجود دارد. بعضی مطالعات نشان می‌دهد که مقررات زیستمحیطی اثرات قابل ملاحظه‌ای در سطح مبادلات کشاورزی داشته‌اند. شواهد دیگر بیانگر آن است که کشورهای در حال توسعه رقابتی مهمی در بازار محصولات زیانبار زیستمحیطی نیستند. بعضی مقررات مانند مقررات مربوط به محل دامداری در شمال اروپای غربی نیز اثراتی در قابلیت رقابت این کشورها داشته است.

۱۴.۴ علاوه بر دیدگاه زیستمحیطی دلایل اقتصادی نیز برای تنوع مقررات PPM در کشورهای مختلف وجود دارد. مثلاً کشورهایی که در منابع آبی آنها آلودگی نیترات کمتر است ممکن است لزومی به رعایت استانداردهای مصرف کود شیمیایی نیتراته در حد کشورهایی که آبهای آنها مقدار زیادی نیترات دارد احساس نکنند. همچنین کشورهایی که در سطوح مختلف رشد اقتصادی قرار دارند ممکن است حدود مختلفی را برای تعادل بین توسعه اقتصادی و احیای فقر یک طرف و کیفیت محیط زیست از طرف دیگر انتخاب کنند. از این نظر تجارت حاصل از تفاوت استانداردهای محیطی ممکن است اثر مهمی در افزایش درآمد کشورهای استانداردهای پایین داشته باشد و در نتیجه در بلند مدت استانداردهای بالاتری را برای این کشورها تعیین کنند. با این حال در مواردی که

اثرات آلودگی حتی جهانگیر است یکنواخت کردن این مقررات مطلوب خواهد بود. بیانیه ریو توصیه می‌کند این مسائل با همکاری و هماهنگی بین‌المللی بررسی و حل گردند.

۱۵.۴ در سالهای اخیر این بحث مطرح شد که بعضی کشورهای واردکننده علاقمند به تحصیل PPM به کشورهای صادرکننده هستند و لو اینکه این مقررات ارتباطی به مشخصات محصول مورد مبادله نداشته باشد. مثل ایالات متحد که ورود صدف را از کشورهایی که رعایت‌های لازم برای حفظ لاک‌پشتهای دریای را نکنند ممنوع کرده است و اتحادیه اقتصادی اروپا پیشنهاد کرده است که ورود الوار از کشورهای گرمسیری که موازین بهره‌برداری قابل ادامه از جنگلها را رعایت نمی‌کنند، ممنوع گردد. بعضی کشورهای اروپای ورود پوست حیواناتی را که با تله‌های پای صید شده‌اند ممنوع کرده است. توجیه این مقررات حفظ محیط مشترک جهانی است ولی کشورهای دیگر ممکن است آن را به عنوان روشهای پنهان حمایت (غیرعادلانه) تلقی می‌نمایند. خطر دیگر این روشها گسترش محدودیت‌های یکسویه است. چنین ملاحظاتی همکاری و هماهنگی بین‌المللی در مورد این مسائل را توجیه می‌نماید.

۱۶.۴ اخیراً بر اساس مقررات GATT کشوری که به واسطه استانداردهای پایینتر PPM در کشور صادرکننده موقعیت تولیدکنندگان به خطر افتاده نمی‌تواند اقدامی در این مورد انجام دهد مگر آنکه بتواند اثر این استانداردها را در کیفیت یا کاربرد محصول وارداتی اثبات کند. بعضی کشورها پیشنهاد می‌کنند که مقررات GATT طوری تأیید کند که قدرت PPM را در مفاد موافقتنامه TBT ملحوظ گردد. بدین ترتیب کشورها خواهند توانست محدودیت‌هایی برای واردات از کشورهایی که دارای مقررات ساده‌تر PPM هستند وضع کنند و بدین ترتیب کشورهای صادرکننده را به ارتقای استانداردها تشویق نمایند.

۱۷.۴ فهرست مربوط به برجسپهای زیستمحیطی نیز از مسائل کشورهای صادرکننده است

گرچه بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌توانند از این مقررات برای آگاهی از مسیر خریداران کشورهای پیشرفته (قبلاً از طریق اعلام برتری الیاف طبیعی بر الیاف مصنوعی) به نفع خود استفاده کنند. در سالهای آینده کاربرد نتایج مذاکرات اروگوئه در پیشگیری از تنشهای تجاری حاصل از برخوردهای پایین بازرگانی ملاحظات زیستمحیطی مورد آزمایش شدید قرار خواهد گرفت؟

قلمرو سیاسی متغیر برای امنیت غذایی

۱.۵ در کشورهایی که به تجارت کشاورزی وابسته هستند (به عنوان صادرکننده و واردکننده) دورنمای رشد بازرگانی جهانی زمینه ارزیابی تغییرات و تجارت کشاورزی و اثرات آن بر امنیت غذایی است. مفاد تجارت جهانی مخصوص به علت ارتباط آن با رشد درآمد مورد توجه خاص است. اگر افزایش حجم مبادلات یا اتخاذ شیوه‌های تجاری خاص به درآمد بیشتر یا رشد سریعتر منتهی گردد صادرکنندگان کالاهای کشاورزی می‌توانند از بازار بزرگتری بهره‌برند و واردکنندگان نیز راحت‌تر قادر به تهیه منابع مالی برای خریدهای خود خواهند بود. ثبات بیشتر شیوه‌های تجاری همچنین امنیت غذایی مبادلات کشاورزی از طریق کاهش نگرانی از تأثیر روشهای خاص تجاری که ممکن است باعث درآمدهای ارزی و سقوط قدرت خرید مواد غذایی شوند، افزایش می‌دهد.

۲.۵ تغییرات جاری در محیط تجارت بین‌المللی مسلماً اثرات دراز مدت در بخش غذایی و کشاورزی و بخصوص امنیت غذایی خواهد داشت. گرچه آخرین و مهمترین این تغییرات حاصل موافقتنامه کشاورزی اجلاس اروگوئه است تغییرات سیاستهای ملی که اثراتی بر تجارت کشاورزی و غذایی خواهند داشت در اغلب گروههای کشورها در حال انجام است.

تغییرات سیاستهای کشاورزی ملی

۳.۰ علاوه بر تغییرات منتج از مذاکرات اروگوئه (که در زیر مطرح خواهند شد) بسیاری از

کشورها دست به اصلاحات داخلی زده‌اند که اثرات آنها در بسیاری موارد مهمتر از مذاکرات اروگوئه خواهد بود. ۳. امر مهم دیگر در اقتصاد جهانی غذا قابل ملاحظه است: ۱- برنامه تغییرات ساختاری در اغلب کشورهای در حال توسعه ۲- تغییرات اقتصاد بازار در کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی و ۳- فشارهای بودجه بر سیاستهای کشاورزی در کشورهای پیشرفته. فرآیند تنظیم سیاستهای تجاری جدید خود ممکن است آثار اجتماعی مهمی داشته باشد که باید بدقت پیگیری شده از اثرات آن، بر افرادی که امنیت غذایی آنها به خطر می‌افتد جلوگیری گردد.

در حالی که ابزار تجاری مطلق برای این کار کافی نیستند و ایجاد شبکه‌های ایمنی اجتماعی در زمانبندی صحیح آنها از لوازم غیرقابل گذشت این تغییرات می‌باشند.

برنامه‌های تغییرات ساختاری در کشورهای در حال توسعه

۴.۵ اثرات مخرب رکود جهانی ۱۹۷۹-۸۲، افزایش نرخ واقعی بهره و کاهش نرخ مبادله برای تولیدکنندگان نفت و مواد اولیه باعث ایجاد عدم تعادل زیاد و افزایش در کشورهای بدون نفت در حال توسعه شد و این تغییرات با کمبود شدید منابع مالی خارجی حاصل از بحران دیون همراه بود. این عوامل باعث شد که بسیاری از کشورها به منابع وام بین‌المللی مثل بانک جهانی و ZMF مراجعه نمایند. وامهای این مؤسسات معمولاً مشروط به قبول اصلاحات قابل ملاحظه‌ای در سیاستگذاری بود که با هدف ایجاد ثبات بین‌المللی و تصحیح ساختار آن طراحی شده بود. امروز طراحی شبکه‌های اجتماعی با صرفه یکی از ویژگیهای لازم این برنامه‌ها به شمار می‌رود.

۵.۵ اثرات کشاورزی تغییرات ساختاری در کشورهای مختلف در حال توسعه بسیار متنوع است. در مورد بخشهای جنوبی و مرکزی و شرقی آفریقا بین ۱۹۸۰ و ۱۹۸۷، از ۳۶ ام، ۸۰٪ شامل شرایطی برای تغییرات کشاورزی بوده است. در دیگر کشورهای در حال توسعه در همان زمان ۳۳٪

از وامها (از ۴۶ وام) شرایط سیاستگذاری کشاورزی در بر داشته‌اند. معمولاً شرایط سیاستگذاری کشاورزی شامل تغییرات در قیمتگذاری، تغییرات سازمانی و تغییرات در سیاست کلی را در بردارد. در مورد قیمتگذاری، کشورها ملزم شده‌اند قیمت‌های تولیدکننده را به قیمت‌های بین‌المللی نزدیک کنند و مکانیسم قیمتگذاری داخلی خود را تغییر دهند. قیمت‌های مواد اولیه نیز افزایش داده شده‌اند.

بسیاری از وامها مستلزم آزادسازی بازرگانی بوده‌اند. مثلاً بعضی وامها شرط حذف یا تقلیل محدودیتها یا مالیاتهای صادراتی و پاره‌ای حذف محدودیت‌های وارداتی را در برداشته‌اند. تغییرات سازمانی غالباً شامل تقلیل قدرت انحصاری سازمانهای بازاریابی دولتی و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی برای کارایی آنها و آزادسازی بازار داخلی بوده است. و بالاخره اغلب برنامه‌های اصلاح کشاورزی نوعی اصلاحات در نرخ ارز را در برداشته‌اند که معمولترین آن تسریع در تقلیل نرخ برابری بوده است.

۵.۶ هدف اصلی از این اصلاحات افزایش انگیزه برای تولیدات کشاورزی است ولی اندازه‌گیری تأثیر عملکرد آنها کار مشکلتری است زیرا الف) بسیاری از تغییرات خیلی جدید هستند. ب) دولتها در بعضی موارد کاملاً مقید به اجرای تغییرات نبوده‌اند و در نتیجه واکنش بخش خصوصی نیز محتاطانه و محدود بوده است و ج) قیمتگذاری و تغییرات سازمانی فقط بخشی از کار هستند و لازم است با سرمایه‌گذاری چشمگیر در راهسازی آبیاری و تحقیقات و افزایش خدمات همراه باشند. بهر حال کاهش هزینه‌های معمولی غالباً شامل سرمایه‌گذاریهای بخش کشاورزی شده‌اند و در نتیجه افزایش محصول مورد نظر بسیار محدود بوده است. همچنین شواهدی در دست است که وضعیت خرده مالکان و تولیدکنندگان محصولات غذایی اصلی نسبت به تولید تولیدکنندگان بزرگتر محصولات قابل فروش بدتر شده است.

گذر سیستم‌های اقتصادی متمرکز سابق به مکانیسم بازار

۷.۵ اثرات بالقوه تغییرات بازار جهانی بخصوص در کشورهای در حال گذر بسیار مهم است. در دهه گذشته به علت سیاست‌های قیمت‌گذاری غلط، ضایعات زیاد و رشد کم بهره‌وری بسیاری از این کشورها واردکننده مواد غذایی شده‌اند. در سالهای اولیه تغییرات خالص واردات افزایش داشته است که بخشی از این افزایش حاصل قیمت‌گذاری و بخشی به علت سقوط تولیدات کشاورزی منتج از تغییرات سیاسی اجتماعی بوده است.

البته با ایجاد ثبات در این اقتصادها تولید کشاورزی افزایش یافته خودکفایی در این زمینه بیشتر خواهد شد. با فرض اینکه درآمد سرانه در سال ۲۰۱۰ به حدود قبل از تغییرات برسد، مطالعات AT۲۰۱۰ رشد تولید این کشورها را (نسبت به دوره قبل از اصلاحات ۸۸-۹۰) در حدود ۰/۷٪ در سال و افزایش مصرف را ۰/۲٪ در سال برآورد می‌کند. ولیکن در حال حاضر بی‌اعتدالی به موقعیت طرح‌های اصلاحی بویژه در شوروی سابق و سرعت و یکنواختی این تغییرات بسیار زیاد است.

فشارهای بودجه در کشورهای توسعه یافته

۸.۵ در هر دو منطقه صادرکننده غذا یعنی آمریکا و جامعه اروپا سیاست‌های کشاورزی به واسطه بودجه‌های عظیم تحت فشار بوده‌اند در ایالات متحد قیمت‌های محصولات تحت قانون مزارع ۱۹۹۰ برای ۵ سال تثبیت شدند و در زمینه کاشت امکان انعطاف بیشتری به کشاورزان داده شد که این آزادیها تحت برنامه‌های ۰/۹۲ و ۵۰/۹۲ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافتند. با اینکه بحث پیرامون لایحه جدید زراعی هنوز به پایان نرسیده ولی انتظار می‌رود پرو این قانون هزینه برنامه‌های کشاورزی باز هم کمتر شود و به کشاورزان آزادی بیشتری در انتخاب محصول داده شود. مطالعات

نشان می‌دهد که احتمالاً این تغییرات قدرت کنترل دولت را بر محصولات مورد برنامه تقلیل خواهد داد و در نتیجه قیمت بیشتر در اختیار مکانیسم بازار قرار خواهد گرفت. در مورد بعضی محصولات ممکن است قیمت تقلیل یابد. در جامعه اروپا هزینه‌های کشاورزی توسط موافقتنامه مالی بین شورای اروپا و پارلمان اروپا تا سال ۱۹۹۹ محدود شده است. انگیزه مهم اصلاحات Machary در CAP در جهت تقلیل کمکها به علت لزوم بالا رفتن نرخ هزینه‌ها از سقف تعیین شده بود.

۹.۵ اصلاحات جاری مطلب مهمی را در مورد اندازه‌گیری اثرات مذاکرات اروگوئه مطرح می‌سازد. یعنی باید معلوم کرد که بدون این اصلاحات چه می‌شد. اگر فرض شود که یارانه کشاورزی در اروپا به هر حال کم می‌شد در این صورت فقط اصلاحات اضافی لازم برای هماهنگی با توافق اروگوئه را می‌توان ارتقاع این مذاکرات دانست.

این دیدگاهی است که ارزیابی FAO که شامل اصلاحات Cap نیز می‌شود در نظر گرفته شده است. مثلاً تقلیل حجم صادرات یارانه‌دار جامعه اروپا محدودیت مهمی است که از مذاکرات اروگوئه حاصل شده است که اگر بقیه عوامل تغییر نکند باعث افزایش قیمت جهانی محصولات موضوع آن خواهد شد. ولی در داخل جامعه اروپا مسئله هماهنگی و سازش تعهدات GATT با اصلاحات Cap مطالعه شده است. شورای اروپا نتیجه گرفته است که موافقتنامه GATT به تغییرات در سیاستگذاری به مذاکرات اروگوئه اغراق در تأثیر این توافق خواهد بود. دیدگاه دیگر آن است که بگوییم که در صورت فقدان فشارهای حاصل از مذاکرات اروگوئه اصلاحات Cap اتخاذ نمی‌شدند و یا به این گستردگی نبودند.

مذاکرات دور اروگوئه و رشد درآمد

۱۰.۵ موافقتنامه نهایی اروگوئه باعث ارجحیت اساسی در سیستم جهانی بازرگانی مواد و

خدمات و مخصوص کشاورزی شده است (همان طور که ذکر شد بررسی اولین بار جزء اجزای اصلی مذاکرات بوده است). فرآیند آزادسازی زیادتری در سال ۱۹۹۹ پیشبینی شده است. در بعضی موارد سیاستهای بازرگانی بعضی کشورها بخصوص در مورد کشورهای در حال توسعه ممکن است سریعتر از برنامه توافق شده در اروگوئه تغییر کند که فقط سقف حمایت و حداقل دسترسی را تعیین می‌کنند. علاقه بیشتری که به گروهبندی ناحیه تجاری داده می‌شود همراه با آزادسازی بازرگانی بین گروهها امکان تقلیل مزارع در بعضی مبادلات را با سرعت بیشتر از آنچه در اروگوئه پیشبینی شده مطرح می‌سازد.

۱۱.۵ در سالهای گذشته کوششهای بسیاری شد که تأثیر آزادسازی بر درآمد جهانی محاسبه گردد. تأکید این مطالعات اخیراً بیشتر بر مذاکرات اروگوئه بوده است و شامل کوشش برای برآورد آزاد سازی در تمام بخشهای اقتصاد که تحت تأثیر این مذاکرات قرار گرفته‌اند می‌باشد.

۱۲.۵ مطالعات فعلی بیشتر و مدلسازی اثرات مذاکرات اروگوئه فقط بخشی از آخرین قانون را که بیشتر قابل اندازه‌گیری بود در بردارد. این بخشها شامل توافقنامه کشاورزی، بازار در محصولات سنتی و حذف تدریجی موافقتنامه و بازرگانی (بین‌المللی) منسوجات MFA را در بر می‌گیرد. جدول ۲ نتایج دو مطالعه را در برآوردهای کاملی از اثرات درآمدی این موافقتنامه در بردارد که بر اساس تکنیکهای تقارن عمومی محاسبه شده‌اند. تغییرات درآمد تحت برنامه‌های محاسبه شده که شامل ساختار رقابتی، برگشت به مقیاس و مقررات Capete Closune می‌باشد. نتایج حساسیت زیادی به این فرضیه نشان می‌دهد که به نوبه خود بررسی بسیار دقیق برای تفسیر نتایج را در بردارد. اثر مذاکرات اروگوئه (در واقع موافقتنامه پیشگفته) در برآورد کل از ۷۶٪ (حدود ۴۰ میلیون دلار) نسبت به سال ۱۹۹۲ تا ۲۱۵۹۶ میلیارد دلار در یک مدل و ۴۱٪ (۹۴ میلیارد دلار) تا ۷۵٪ (۱۷۲ میلیارد دلار) در مدل دیگر نشان می‌دهد. این ترتیب علی‌رغم ماهیت حساس مدلسازی

در مورد این توافقات تفاوت درآمد پیشبینی شده با این دو مدل با توجه به حجم سال ۱۹۹۲ ۲۳۰۰۰ میلیارد دلار زیاد نیست. همچنین هر دو مدل اثر قابل ملاحظه توافق اروگوئه را بر نواحی در حال توسعه بخصوص شرق و جنوب آسیا نشان می‌دهند. در مورد آفریقا برآورد این دو روش با هم تطابق ندارد. یکی از آنها نتایج را برای آفریقا مثبت و دیگری منفی برآورد می‌کند. از این رو بررسیهای عمیقتری در این زمینه لازم است.

۱۳.۵ به طور کلی در مورد اندازه‌گیری آثار توافق اروگوئه محدودیت مهمی باید مورد تأیید قرار گیرد. افزایش درآمد و تجارت حاصل از دسترسی بیشتر بازار به محصولات آثار توافقنامه اروگوئه را کمتر از واقعیت نشان می‌دهند. اولاً بسیاری آثار دینامیک ممکن وجود دارند که در محاسبات وارد نشده‌اند و ثانیاً در محاسبات این گونه فرض شده که اگر مذاکرات اروگوئه موفق نمی‌شد وضعیت موجود تجارت جهانی بی‌آسیب ادامه می‌یافت. بسیاری از صاحبانظران معتقدند که مسلماً این مذاکرات وضعیت بسیار برتری (از وضع موجود قبل از مذاکرات) را باعث می‌شد و اقتصاد جهانی را دچار تأخیرات دراز مدتی می‌نمود و در نتیجه پیشگیری از خسارتهای حاصل از این اتفاق باید در برآورد نتایج مثبت موافقتنامه اروگوئه محاسبه گردد. ثالثاً و مهمتر از همه این برآورد از تمام نتایج مذاکرات به جز آزادسازی تجارت صرفنظر کرده است. از آنجا که در عمل ممکن نبود مدلهای استفاده شده اثرات مفید مقررات سازمانها و روشهای حاصل از GATS (شامل ۴/۵ تریلیون مبادلات جاری مواد و خدمات) را در نظر نگرفته‌اند.

۱۴.۵ گذشته از میزان تأثیر توافقنامه اروگوئه، این توافق باعث تغییرات مهمی در تقسیم درآمدها بین کشورها در داخل کشورها خواهد شد که اثرات مهمی بر درآمد خانواده‌ها و در نتیجه امنیت غذایی آنها خواهد داشت روی هم رفته YNCTAD، برآورد می‌کند که توافقنامه اروگوئه کاهش اندکی در فقر مطلق (۱۴۰٪) را در بر خواهد داشت که شامل نتایج مثبت برای بعضی مناطق و

نتایج منفی برای مناطق دیگر خواهد بود.

۱۵.۵ در خاتمه برای بعضی کشورها از دست دادن درآمدهای ترجیحی مطرح است. UNCTAD از دست دادن این منافع را برای روش جاری (GSP)، برای جامعه اروپا و ژاپن ۴۰٪ (البته برای منسوجات در اروپا فقط ۲۰٪) ۵۰٪ برای ایالات متحد و تقریباً ۱۰۰٪ برای کانادا برآورد می‌کند. کشورهایی که در نتیجه سهمیه‌بندی مورد بحث MFA از برتری رقابتی برخوردار بودند این مزیتها را ممکن است از دست بدهند. از نظر منطقه‌ای آسیا و آمریکای لاتین بهره بیشتری از فرصتهای بازار خواهند برد. حال آنکه کشورهای حوزه کارائیب و آفریقای نیمه صحرائی متضرر خواهند شد. اگر هندوستان و چین سهم خود را از بازار لباس و دیگر صادرات وابسته به نیروی انسانی به نحو چشمگیری افزایش دهند با توجه به اینکه دارای بزرگترین جمعیت فقیر دنیا هستند، افزایش منافع آنان نسبت به میزان پیشرفت در کلیه کشورهای دیگر قابل ملاحظه خواهد بود.

توافقنامه کشاورزی اروگوئه

۱۶.۵ بخشهای اصلی توافقنامه کشاورزی اروگوئه به طور خلاصه آورده شده است. این توافقنامه شامل دستیابی به بازار، حمایت داخلی یارانه‌های صادرات، محدودیتها و ممنوعیتهای صادرات و معرفی تغییرات مهم قوانین در هر یک از این موارد می‌گردد. توافقنامه استانداردهای بهداشتی و بهداشت گیاهی اروگوئه روشهای جدیدی در این زمینه را که دارای اهمیت روزافزونی است معرفی کرده‌اند که هدف آنها به حداقل رساندن اثرات نامطلوب و تبعیض آمیز این استانداردهاست. نحوه برخورد خاص و متفاوتی برای کشورهای در حال توسعه که تحت قوانین حمایت داخلی و یارانه‌های صادراتی می‌باشند به صورت تعهدات مبتنی بر کاهش کمتر برنامه زمانی طولانی، و همچنین از طریق کاهش قابل توجه تعرفه‌های محصولات کشاورزی مناطق گرمسیری در

نظر گرفته شده است. کشورهایی با حداقل توسعه ملزم به رعایت تعهدات مذکور نیستند. مسائل خاص مربوط به میزان خالص واردات غذا و فقیرترین کشورها در تصمیمگیری مقیاسها با توجه به اثرات منفی محتمل برنامه اصلاحی بر این کشورها در Marrakesh Ministerial بررسی شد.

۱۷.۵ قوانین و تعهدات حمایت داخلی به طور وسیعی جهت استحکام بخشیدن به اصلاحات سیاست داخلی در سطح بین‌المللی و ترغیب به یک تغییر تدریجی جهت سیاست داخلی با مقیاسهایی که کمتر به تجارت لطمه بزند و از تعهدات کاهش معاف باشند.

در آغاز ممکن است فرصتهایی برای تغییر حمایت از منطقه خاص یک محصول به منطقه دیگری که زیر پوشش تعهدات حمایت داخلی در سطح وسیع با جهانی هستند، وجود داشته باشد در هر حال شرایط مادهٔ صلح (فقره ۳ توافقنامه) به منظور محدود ساختن فرصت برای چنین تغییراتی اجرا خواهد شد زیرا افزایش حمایت از کالاهای خاص بیش از آنچه در سال ۱۹۹۲ تصمصم گرفته شد منجر به اتخاذ یارانه‌های کاربردی بر اساس توافقنامه یارانه‌ها در GATT ۱۹۹۴، و WTO می‌شود. اعضای کشورهای در حال توسعه از فعالیتهای خاصی در ارتباط با یارانه‌های سرمایه‌گذاری و (مواد اولیه) و همین طور از تنوعی نوید بخش حاصل از رشد مواد مخدر غیرمجاز بهره‌مند می‌گردند. در مجموع حمایت داخلی تحریف شده از ۱۹۷ میلیارد دلار آمریکا ۱۶۲ میلیارد دلار آمریکا خصوصاً در کشورهای توسعه یافته تقلیل می‌یابد.

۱۸.۵ یارانه‌های صادرات موضوع تعهدات کاهش و قوانین جدیدی می‌باشند که اعضای WTO را از استفاده از یارانه‌های صادرات برای محصولات کشاورزی که مربوط به چنین تعهداتی نمی‌شود. منع می‌کند. اعضای کشورهای در حال توسعه از معافیت موقت از این شرط در مورد بعضی یارانه‌های حمل و نقل و بازاریابی استفاده می‌کنند. در مجموع، هزینه یارانه‌های صادرات، باید از ۲/۲۵ میلیارد دلار به ۱۴/۵ میلیارد دلار کاهش یابد. این قوانین و تعهدات باید تضمین کنند که

مشارکت کالاهای مربوطه در بازار (به ویژه در مناطق معتدل) به طور مستمر توسط توانایی اولیه برای رقابت تأمین می‌گردد نه با توانایی کشورها برای پرداخت یارانه‌های صادرات.

۱۹.۵ قوانین جدید و تعهدات مورد بحث در زمینه حمایت واردات همراه با ملزم کردن کلیه تعرفه‌های کشاورزی، اقدامی مهم و بی‌سابقه را در جهت آزادسازی تجارت در کشاورزی از نظر شرایط بهبود یافته رقابت از نظر فرصتهای تجاری نشان می‌دهد. زیر پوشش قوانین جدید حمایت‌های غیرمستقیم ممکن است فقط توسط تعرفه‌ها فراهم گردد. مقیاسهای حاشیه‌ای (فرعی) مانند محدودیتهای کمی و levie گوناگون اکنون رسماً ممنوع شده است. به جز استثناهایی در مورد محصولات ویژه در زمان خاص (خصوصاً برنج) در مورد ۴ کشور. مقیاسهای به دست آمده از شرایط اختصاصی غیر کشاورزی قابل اجرا در WTO، مانند مقیاسهایی برای برقراری (تراز) پرداختها، تحت تأثیر این قانون جدید قرار نمی‌گیرند.

۲۰.۵ شرایط توافقنامه و تصمیمگیری هیئت دولت مراکش در کشورهایی با حداقل توسعه و غذای وارداتی خالص نیز مسائل زیادی را منعکس می‌کند که در مذاکرات مد نظر قرار می‌گیرند.

۲۱.۵ اروگوئه در تصمیم‌گیری هیئت دولت مراکش مسائلی مربوط به بسیاری از کشورهای واردکننده مصرف مواد غذایی و کشورهایی با حداقل توسعه را مطرح می‌کند. در حالی که تحقق نتایج اروگوئه باید فرصتهای روزافزونی را برای رشد اقتصادی و تجاری و برای منافع کلیه شرکت‌کنندگان به وجود آورد که ممکن است تأثیرات منفی توسط این کشورها در مدت تحقق برنامه اصلاحی و آزادسازی تجارت در کشاورزی به وجود آید. در این خصوص مرجع اختصاصی توسط وزراء به علت نیاز به ذخایر کافی مواد غذایی اولیه از منابع خارجی تحت شرایط منطقی و قابل قبول و همچنین برای مشکلات کوتاه مدت در پرداخت (تأمین سرمایه) واردات تجاری مواد غذایی اولیه در سطح عادی ارائه شده است. تصمیمگیری هیئت دولت مراکش شامل شرایط زیادی برای این

موارد می‌شود، از جمله اعتبارات صادرات کمک فنی به کشاورزی و دستیابی به منابع انجمنهای مالی بین‌المللی و یا تسهیلاتی از این قبیل که ممکن است فراهم گردد. به علاوه وزراء توافق کردند که میزان کمک غذایی که متناوباً تحت عنوان FAC (جمع کمک غذایی) داده می‌شود بازبینی کنند و مذاکراتی در گردهمایی مناسب به منظور تعیین یک سطح تعهد کمک غذایی که برای رفع نیازهای قانونی کشورهای در حال توسعه در برنامه اصلاحی کافی باشد به عمل آورند. و برای اطمینان از این که بخش اعظم از مواد غذایی اولیه به صورت بلاعوض و یا شرایطی مناسب برای کشورهای، با حداقل توسعه فراهم می‌گردد، اتخاذ کنند.

۲۲.۵ این تصمیم قرار است به طور منظم توسط کنفرانس هیئت دولت WTO بازنگری شده کنترل این تنظیم توسط کمیته کشاورزی WTO پیگیری شود.

مقتضیات اخطار به ژوئن سال ۱۹۹۵ توسط کمیته کشاورزی WTO به منظور تسهیل عمل کنترل تعیین گردید. در نوامبر ۱۹۹۵ کمیته کشاورزی WTO تصمیمی مبنی بر تهیه صورتی از کشورهای در حال توسعه واردکننده صرف مواد غذایی WTO و ایجاد یک برنامه کاری مقدماتی برای بازنگری کمک غذایی در سال ۱۹۹۶ و رهنمودهای مربوط به آن اتخاذ کرد.

۲۳.۵ مسئله دومی که مورد توجه است، که به طور اختصاصی به ملزوماتی مربوط می‌شود که آزادسازی و اصلاح تجارت کشاورزی می‌تواند برای امنیت غذایی داخلی داشته باشد، در شرایط توافقنامه برای محدودیتها و ممنوعیتهای کمیته صادرات منعکس می‌شود.

قوانین شرایط جدید به طور اختصاصی آنها را ملزم به تأسیس محدودیتها و ممنوعیتهای صادراتی جهت جلوگیری از کمبودهای بحرانی مواد غذایی اهدایی از طریق توجه به اثرات این استانداردها بر امنیت غذایی اعضای واردکننده می‌نمایند. خصوصاً اعضایی که چنین استانداردهایی را تعیین می‌کنند باید از قبل و با جزئیات به کمیته کشاورزی WTO اطلاع دهند و در مورد این

تقاضا با دیگر اعضا که به عنوان واردکننده سهم قابل توجهی در این امر دارند مشورت نمایند. در مورد کشورهای در حال توسعه، این شرایط تنها برای کشورهای عضو WTO که صادرکنندگان خالص مواد غذایی مورد نظر هستند صادق است.

۲۴.۵ مسائل مربوط به نوسانات قیمت و پول رایج در مورد تعرفه‌بندی نیز در شرایط این توافقنامه منعکس شده است که به استفاده از قانون حفاظت ویژه مربوط می‌شود. در جایی که حق استفاده از حفاظت ویژه رسماً در برنامه تعهدات یک عضو محفوظ می‌ماند (حق که تنها برای اعضای دارای تعرفه وجود دارد و ممکن است وظیفه‌ای اضافی اما نه برای واردات زیر پوشش تعرفه‌های جاری به شمار آید).

برای جبران باید قسمتی از کاهش قیمت واردات به زیر سطح (Trigger) وضع کنند. از قانون حفاظت ویژه همچنین ممکن است به عنوان واکنش به درج واردات استفاده شود. در مجموع این ماده که نمی‌تواند در ارتباط با شرایط حفاظت عمومی ۱۹۹۹ GATT استفاده شود، برای حدود ۱۵٪ کل تعرفه‌های کشاورزی قابل اجرا است.

۲۵.۵ در کل، این توافقنامه بهبود اساسی در شرایط رقابتی که تجارت کشاورزی را اداره می‌کند به وجود می‌آورد. قوانین جدید تنها پیشرفتهایی برنامه‌ریزی شده نیستند بلکه از نظر عملی کیفیت توافقات کشاورزی و دیگر تعهدات را بهبود خواهند بخشید.

قوانین جدید استفاده از یارانه‌های صادراتی را که مربوط به تعهدات کاهش خاص نمی‌شوند و همچنین معیارهای دستیابی غیر تعرفه‌ای قبلاً ممنوع شده و اثر مثبتی به شرایط رقابت برای تجارت در کلیه محصولات کشاورزی خواهد داشت. علاوه بر آن، این قوانین و شرایط جدید، که برای کلیه اعضای WTO می‌باشد، توسط توافقنامه‌های جدید WTO در جهت مذاکرات و تحقق کارآمد قانونگذاری حمایت می‌شود.

۲۶.۵ معیارهای بهداشتی و بهداشت گیاهی (SPS) ارتباط نزدیک با این توافقنامه دارد. SPS تشخیص می‌دهد که آیا دولتها حق گرفتن معیارهای بهداشتی و بهداشت گیاهی را دارند؟ اما این معیارها باید تنها به منظور نیاز مبرم به حمایت انسان، حیوان یا گیاه باشد و نباید اختیاری یا ناعادلانه بین اعضا با شرایط مشابه تبعیض قائل شوند.

۲۷.۵ برای هماهنگی منسجم میان معیارهای بهداشتی و بهداشت گیاهی اعضا ترغیب می‌شوند تا ضوابط خود را بر اساس استانداردهای بین‌المللی، رهنمودها و توصیه‌های موجود تعیین نمایند. در هر حال اگر قضاوت علمی وجود داشته باشد و یا به عنوان نتیجه تصمیمات مخاطره‌آمیز مبنی بر ارزیابی صحیح باشد. اعضا می‌توانند معیارها را حفظ کرده یا معیارهایی معرفی کنند که منجر به استانداردهای بالاتری شود. SPS روشها و معیارهایی برای ارزیابی خطر و تعیین سطوح صحیح حمایت بهداشتی و بهداشت گیاهی ارائه می‌دهد.

نتایج ضمنی مذاکرات اروگوئه

۲۸.۵ شرایط متغیر سیاسی امروز ضرورت تجدید نظر در چگونگی وسعت و ثبات بازارهای جهانی غذا و سطح کنونی قیمتها را خاطر نشان می‌سازد. از آنجا که کشورهای توسعه یافته بخشهای کشاورزی خود را تحت پوشش یارانه قرار داده، اما کشورهای در حال توسعه بر آنها مالیات وضع نموده‌اند، تأثیر به جا مانده بر بازارهای جهانی مهم و ناهمگون است. مقررات مصوب در مذاکرات اروگوئه، عمدتاً کشورهای توسعه یافته است، لیکن برنامه‌های تعدیل ساختاری به طور همزمان در کشورهای در حال توسعه به مورد اجرا گذارده می‌شوند.

تجارت و تأثیر قیمت‌های جهانی

۲۹.۵ با توجه به مشکلات الگوپردازی نتایج مذاکرات دوراروگوئه (بویژه آنکه برخی دستاوردهای مهم این مذاکرات در خصوص قوانین تجاری پیشرفته به گونه‌ای غیرقابل محاسبه و یا همانند تغییرات در بخش خدمات، الگوپردازی نشده هستند). نتایج تصمیم یافته قیمتگذاری جهانی ارائه شده است. انتظار می‌رود صادرات گندم کشورهای پیشرفته (توسعه یافته) کاهش یافته قیمتگذاری جهانی ارائه شده است. انتظار می‌رود صادرات گندم کشورهای پیشرفته (توسعه یافته) کاهش یافته واردات افزایش یابد. در مورد آخر واردات در اروپای غربی توسط واردات کاهش یافته گندم توسط ایالات متحد و شوروی سابق و اروپای شرقی جبران می‌شود. این امر باید قیمت گندم را بر اساس مذاکرات اروگوئه ۶ تا ۷٪ در سال ۲۰۰۰ بالا برده کشورهای در حال توسعه را ترغیب نماید که غلات بیشتری برای ترسیم نیازهای خود تولید کنند. انتظار می‌رود مذاکرات اروگوئه به دلیل کاهش صادرات برنج یارانه‌ای توسط کشورهای توسعه یافته و گشایش بازارهای برنج که مبتلا به بود، اثر قابل توجهی، به بازار برنج داشته باشد. حجم تجارت جهانی نیز باید تا ۱/۲ میلیون تن افزایش یابد و قیمت‌های بین‌المللی برنج حدود ۴ تا ۷٪ نسبت به موقعیت قبل از توافقنامه افزایش یابد. هم واردات و هم صادرات دانه‌های (درشت) باید در نتیجه مذاکرات اروگوئه در کشورهای توسعه یافته و هم در حال توسعه کمی افزایش یابد. با وجود آنکه افزایش در کل حجم تجارت اندک، قیمت غلات دانه درشت باید بین ۴ تا ۷٪ بالا برود. انتظار می‌رود مذاکرات اروگوئه در مورد نفت باعث افزایش تقاضای واردات در کشورهای توسعه یافته شود، خصوصاً در خاور دور و چین که به مقدار زیادی توسط کشورهای تولیدکننده با هزینه پایین در خاور دور و آمریکای لاتین تأمین خواهد شد. تجارت کنجاله دانه‌های روغنی و قیمت آن نیز باید تا حدودی تحت تأثیر قرار گیرد. بر اساس مذاکرات اروگوئه افزایش اندک در حجم کلی تجارت گوشت پیشبینی شده است.

همچنین باید سبب افزایش واردات در کشورهای خاور دور آمریکای شمالی، اروپای شرقی و شوروی سابق و ژاپن بشود. در حالی که کشورهای آمریکای لاتین، آمریکای شمالی و اقیانوسیه باید از دستیابی به بازار رو به بهبود بهره‌مند گردند. البته به علت تعهدات برای کاهش صادرات دارای یارانه، FAO قیمت‌های بین‌المللی گوشت را از ۸٪ به ۱۰٪ افزایش داده است. با وجود آنکه این میزان در بانک جهانی (مدل OECD) کمتر و در حد ۶٪ می‌باشد، تجارت کلی شیر علی‌رغم آنکه امر توزیع در تجارت بر اساس منطقه و مقصد صورت می‌گیرد، نباید تغییر قابل ملاحظه‌ای پس از توافقنامه داشته باشد. کاهش حجم صادرات یارانه‌ای که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته اعمال می‌شود، با افزایش صادرات از بخش اقیانوسیه جبران خواهد شد، در حالی که واردات به کشورهای توسعه یافته می‌تواند در نتیجه تدابیر و شرایط توافقنامه که عمل نشده است، افزایش یابد. افزایش کلی قیمت شیر از ۷ به ۱۰٪ برنامه‌ریزی شده است.

۳۰.۵ در نتیجه این تغییرات، برنامه‌ریزی شده است که بر اساس مذاکرات اروگوئه میزان کل واردات غذا در کشورهای در حال توسعه از ۴۰ میلیارد دلار در سال ۸۷-۸۹ به ۶۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۰۰ افزایش یابد، که ۳/۶ میلیارد یعنی ۱۵٪ آن مربوط به این مذاکرات است.

برای میزان غذای وارداتی در کشورهای کم درآمد مواجه با کمبود غذا (LFDCS)، افزایشی تا ۱۰ میلیارد دلار پیشبینی شده است که ۱۴٪ آن ممکن است مربوط به مذاکرات اروگوئه باشد.

۳۱.۵ با نگاهی موشکافانه به تحلیل اخیر FAO، مشاهده می‌شود که کاهش مداوم میزان خودکفایی و ارتقای سطح نیازهای وارداتی در کشورهای در حال توسعه در مجموع، خصوصاً در مورد غلات که از ابتدای ۸۷-۸۹ آغاز و تا ۲۰۱۰ ادامه خواهد داشت، با افزایش خودکفایی در اقتصادهای در حال گذر و دیگر کشورهای توسعه یافته جبران می‌شود. نیازهای وارداتی تا ۲۰۱۰ از تولید افزون بر نیاز و پیشبینی‌های مصرف ناشی می‌شود بنابراین احتمال اشتباه آن زیاد است.

حتی یک تفاوت کوچک در حد یک دهم یک درصد از نرخ رشد تولید پیشبینی شده، در مدتی نزدیک به بیست سال تفاوت قابل توجهی را در برنامه تجاری به وجود می‌آورد. دست‌اندرکاران دیگر نیاز به توسعه تجارت را بریزه در مورد غلات پیشبینی می‌کنند.

(۴۶) آنان بر این عقیده هستند که پیشبینی‌های کمتر از واقعیت FAO باعث بروز محدودیتهایی در رشد و محصول می‌گردد مانند: کاهش تکنولوژیهای افزایش محصول که به کار گرفته شده‌اند، کاهش غلات که به عنوان حاصلخیزکننده اضافی به کار می‌رود، نیاز به کاهش آبیاری اضافی که برای برقراری تعادل بین اثرات فروپاشی اجتماعی و ناپایداری سیاسی روی کشاورزی و تأثیری که خسارت زیست‌محیطی روی تولیدات مختلف دارد. اگر این محدودیتها حقیقتاً بیشتر از میزان پیشبینی شده FAO باشد، کشورهای در حال توسعه با نیازهای بیشتر واردات و قیمت‌های بسیار بالا رو به رو خواهد شد. این گونه تفاوتها باید برای تفسیر نتایج حاصل از تغییرات اخیر سیاست در مورد سیستم بین‌المللی تجارت در نظر گرفته شوند.

۳۲.۵ همان طور که پیشتر ملاحظه شد، پیامدهای مطلوب و سودمند مذاکرات اروگوئه مخصوص آزادسازی بازرگانی کشاورزی با توجه به اثرات شرایط تجاری ممکن است برای کشورهای واردکننده و صادرکننده متفاوت باشد ولی به هر حال کشورها به ثبات قیمت‌های جهانی علاقتند هستند. دولت اروگوئه حداقل به سه طریق ثبات قیمت‌ها خواهد داشت. تولید از کشورهای با یارانه زیاد به بخشهای کم یارانه و با احتمالات دیگری برای تغییرات تولید منتقل خواهد شد. حتی اگر در نواحی با یارانه کم نوسانات قیمت وجود داشته باشد به علت کمی ارتباط این نوسانات با هم ممکن است اثر جهانی آنها کم باشد. درباره این مطلب کار تجربی کمی انجام شده و اگر استفاده از تکنولوژی جدید در نواحی با یارانه کم که حاصل قسمتهای زیادتر است تنوع تولید را افزایش دهد تاریخ راهنمای خوبی برای آینده خواهد بود.

۳۳.۵ مذاکرات اروگوئه همچنین از طریق اعمال تعرفه‌ها بر قیمت‌های جهانی اثر می‌کند. اگر قیمت‌ها در تمام کشورها تحت تأثیر تغییرات بازار جهانی قرار بگیرند تغییرات قیمت جهانی برای نوسانات عرضه و تقاضا کمتر خواهد بود. با اینکه در حال حاضر اغلب تعرفه‌های کشاورزی تثبیت شده‌اند کشورها ممکن است هر آن تعرفه‌های کمتری ارائه دهند. کشورها می‌توانند بدین وسیله اثرات نوسانات قیمت جهانی را در بازار داخلی تقلیل دهند. مثلاً ممکن است از تعرفه متغیری استفاده نکنند که حداکثر آن به تعرفه تصویب شده برسد. در مواردی که تمهیدات غیر تعرفه‌ای جای تعرفه را گرفته‌اند کشورهای عضو WTO حق استفاده از ماده روشهای حفاظتی ویژه را برای خود حفظ کرده‌اند. استفاده از این قانون باعث می‌شود که قیمت‌های واردات نیز کمتر تحت تأثیر تغییرات قیمت‌های جهانی قرار گیرد.

۳۴.۵ راه دیگری که مذاکرات اروگوئه به محدوده عدم ثبات قیمت جهانی اثر می‌کنند تغییر انگیزه‌ها بر اساس ذخیره‌سازی است کاهش دخالت صادرکنندگان کشورهای پیشرفته در بازار باعث می‌شود که ذخیره‌سازی دولتها مانند گذشته نباشد و به طور کلی مقدار ذخیره جهانی کاهش یابد. با این حال تقلیل ذخایر دولتی برای صادرات زمینه مطلوبی برای افزایش ذخیره‌سازی توسط بخش خصوصی و دولتهای واردکننده در حال توسعه فراهم می‌کند. زیرا در این توافق ذخیره‌سازی برای تأمین امنیت غذایی مجاز شمرده شده. حتی اگر ذخایر خصوصی جایگزین کاملی برای ذخایر دولتی نباشد، تقلیل ذخایر جهانی و افزایش نسبت در اختیار بخش خصوصی به شرطی که این بخش بیشتر از دولتها حساسیت نشان دهد باعث افزایش ثبات خواهد شد. روی هم رفته ثبات قیمت‌ها برای اغلب موارد افزایش می‌یابد ولی اثر ذخیره‌سازی ممکن است باعث وخامت وضع محصولات دامی گردد.

۳۵.۵ یک اثر عمومیتر آن است که آزادسازی تجارت عموماً همراه با حذف موانع جریان سرمایه بین‌المللی است. در حال حاضر مبادلات بین‌المللی سرمایه کمتر به تجارت بستگی دارد و

بیشتر به احتمالات نرخ برگشت در بازار داراییها بستگی دارد. در نتیجه جریان بین‌المللی سرمایه بسیار فعالتر شده است. تغییر ناگهانی در علائق سرمایه‌گذاران، مانند آنچه اخیراً در آمریکای لاتین اتفاق افتاد می‌تواند اثر بزرگی در قیمت ارز داشته باشد و در نتیجه قیمت‌های داخلی واردات، از جمله غذا را بشدت افزایش دهد. اثر این تغییرات ناگهانی وابسته به ارز در آینده ممکن است بیشتر از اثرات تغییرات خود بازار کالا باشد.

دورنگای کمکهای غذایی

۵. ۳۶ کمکهای غذایی از راه امداد رسانی مواد ضروری و از طریق افزایش واردات در کشورهایی که کمبود ارز خارجی دارند می‌تواند امنیت غذایی را افزایش دهد. بیشتر این کمکها به صورت غلات بوده گرچه محصولات دیگر مانند پودر شیر و روغن نباتی نیز سهمی از آن را تشکیل می‌دهند. در مجموع در کشورهای در حال توسعه نسبت کمکهای غذایی به کل واردات در حال کاهش است. نسبت کمکهای غذایی به واردات غلات از ۱ تا ۲ در سالهای ۱۹۷۰ به ۱ در سالهای اخیر تقلیل یافته است. با این حال برای بسیاری از کشورها کمکهای غذایی از منابع اصلی واردات محسوب می‌شود.

در سالهای ۱۹۸۰ در بیش از ۴۰ کشور دریافت‌کننده کمکهای غذایی دریافتی بیش از ۱ کل غلات و وارداتی بوده است.

۵. ۳۷ پیامدهای مذاکرات اروگوئه بر کمکهای غذایی برای کشورهایی که به این کمکها چشم دوخته‌اند اهمیت فراوانی دارد. براساس این توافق کمکهای غذایی واقعی از ممنوعیت یارانه برای صادرات و تعهدات کاهش یارانه‌ها معاف است لذا اثر پیشگفته عمدتاً غیر مستقیم خواهد بود. جریان کمکهای غذایی در سالهای گذشته نیز بر مبنای مصرف اضافی تولید کشورهای صادرکننده غذا بوده است.

تقلیل دخالت دولتها در بازارهای کشاورزی بخصوص کاهش ذخیره‌سازی توسط دولتها ممکن است انگیزه‌های کشورهای را برای تأمین کمکهای غذایی کاهش دهد. از طرف دیگر با محدودیتهای اعمال شده بر تولید با یارانه، کمک غذایی برای کشورهایی که مشکل از سرباز کردن تولیدات افزون بر نیاز را دارند جالب توجه خواهد شد. ممکن است توافق اروگوئه اثر مهمی بر کمکهای غذایی نداشته باشد. با این حال اگر کشورهای دهنده کمکها هنوز هم مایل به کمک باشند ممکن است یک راه حل مناسب کمک مالی برای تأمین کمک غذایی از کشور ثالث باشد. با این روش هماهنگ کردن این کمکها با نیازهای غذایی کشور مقصد راحت خواهد بود.

۳۸.۵ در آینده حجم کمکهای غذایی نیز متأثر از اذهان عمومی کشورهای امداد‌رسان خواهد بود. در دهه گذشته تعداد افرادی که از فجایع مختلف زیان دیده محتاج کمک هستند به نحو چشمگیری افزایش یافته است به این ترتیب احتمالاً نیاز به کمکهای غذایی مقطعی و اضطراری افزایش خواهد یافت سطح حداقل کمکهای لازم زیر نثر FAO اخیراً از $\frac{7}{4}$ میلیون تن به $\frac{5}{3}$ میلیون تن سالانه برای سه سال از ژوئن ۹۵ تقلیل داده شد... با توجه به اینکه در عمل کمکهای انجام شده در ۱۰ سال گذشته بیش از حداقل تعیین شده توسط FAO و حتی اهداف کنفرانس جهانی غذا، ۱۰۹۱۷۴ میلیون تن در سال بوده است، این تقلیل ممکن است نشانه آن باشد که کشورهای کمک کننده کاهش برنامه‌های کمک غذایی را در چند سال آینده پیشبینی می‌کنند.

فرصتهای بازار صادرات

۳۹.۵ گرچه توافق اروگوئه فقط آزادسازی محدودی را شامل می‌شد و فرآیند آزاد سازی ممکن است برای همه کشورها یکسان نباشد ولی برای اغلب آنها فرصتهایی وجود دارد. در مورد محصولاتی که شامل مقررات تعرفه‌بندی می‌شدند فرصتهایی مناسب از طریق ترتیب دادن سهمیه‌ها و

فعالیت‌های مربوطه حاصل خواهد شد. همان طور که در بالا بیان شد محصولات شامل ۱۵٪ کل محصولات کشاورزی تعرفه‌دار را تشکیل می‌دهند و در اغلب موارد محصولات اصلی کشاورزی هستند که رشد آنها بسیار کند بوده است.

قسمت عمده دیگر محصولات تعرفه‌دار که بسیاری از آنها مربوطه به فرآورده‌های کشاورزی با دیگر محصولات قیمتی می‌شود یعنی مواردی که تجارت بین‌المللی به سرعت گسترش پیدا کرده است، باید در بسیاری موارد به طور قابل ملاحظه‌ای با نسبتی در حدود (یا بیشتر از) ۳۶٪ در کشورهای توسعه یافته و ۲۴٪ در کشورهای در حال توسعه کاهش یابد. علاوه بر آن برای محصولات کشاورزی مناطق گرمسیری که تعرفه‌ها عموماً پایین هستند، این کاهش که باید توسط اعضای WTO تحقق یابد به طور متوسط مطابق نوع محصول مورد نظر حدود ۴۳٪ است یعنی از ۳۷٪ تا ۵۲٪ متغیر می‌باشد. جنبه مهم دیگر امکاناتی است که مذاکرات اروگوئه برای بهبود تجارت به وجود آورده است، این است که بر اساس طیف گسترده نمونه‌های ذکر شده در بالا، حدود ۱/۱۴ کل محصولات کشاورزی تعرفه‌دار از مالیات معافند و در بسیاری از مناطق تجاری کشورهای در حال توسعه تعداد دیگری نیز از مالیات معاف می‌باشند. همان طور که توافقنامه‌های آزادتر تجاری در تجارت کشاورزی است و مذاکرات بیشتری نیز ۱۹۹۹ انجام خواهد شد. البته بهبودها و پیشرفت‌هایی نیز در گسترش تعرفه وجود داشته است (۱۹۹۶ - GATT). این امر در موقعیتی که تعرفه‌های بالاتر برای فرآورده‌های کشورهای توسعه یافته به طور متوسط ۳۶٪ کاهش یافته سطح آنها را تا حدی که نزدیک به بخشودگی مالیات باشد و یا در حدی که اغلب برای محصولات خام وضع می‌شود پایین می‌آورد، اجتناب ناپذیر است.

کاهش گسترش تعرفه باعث اضافه بها (تحت عنوان پردازش بیشتر، بسته‌بندی و غیره) به محصولاتی می‌شود که در غیر این صورت جزء صادرات محصولات خام شمرده می‌شدند. کشورهای در

حال توسعه باید از هر فرصت تازه‌ای برای چنین تغییرات طولی استفاده کنند. همچنین، کشورهای در حال توسعه باید ترغیب شده به سمت تغییر مسیر از کشاورزی سنتی و دیگر محصولات، به صادرات با ارزش‌تر مانند میوه تازه (از جمله میوه‌های کمیاب) و سبزیجات پیش بروند و مثل تغییرات فصلی اکثر بازارهای نیمکره شمالی (تغییرات عرضی) نهایتاً کشورهای در حال توسعه باید به دنبال فرصتهای جدیدی در بازارهای صادرات غیر سنتی باشند. برای نمونه بسیاری از کشورهای آفریقایی صادراتی با مرکزیت در اروپا دارند و این کشورها باید به طور منظم‌تری به دنبال مقر جدیدی برای صادرات در منطقه و در آمریکا، آسیا و مناطق دیگر باشند. گسترش سریع تجارت، قیمت‌های بالا و محصولات کشاورزی فرآورده‌ها، برخلاف تجارت کالاهای حجیم (فله‌ای)، از صدها بازار کالا یا خدمات ویژه تشکیل شده است. مذاکرات مذکور فرصتهایی جدیدی برای کشورهای در حال توسعه در کل طیف تجارت، از کشاورزی تا مواد معدنی، محصولات صنعتی و خدمات به وجود می‌آورد.

۵. ۴۰ واضح است که پیشرفت بهبود در (محصول) کشاورزی (و در یک کالاها و خدمات) و صادرات کشورهای در حال توسعه به عوامل مربوط به بسیاری سیاستگذارهای دیگر بستگی دارد. من جمله پیشرفت بهبود در: فراساختان، (سیستمهای حمل و نقل، شبکه‌های انرژی، آبیاری) تحویلات و آموزش فنی، ترویج دانش در مورد سازوکار تولید صحیح و جدید و تنوع محصول، شبکه‌های کنترل و دفع آفات و بیماریها، مدیریت کیفی، اصلاح سیستم تنظیم داخلی (شامل سیستم قیمت کشاورزی، سیستم توزیع، اصلاح اراضی) و غیره. دسترسی بهتر به بازار در خارج از کشور و تجارت مطلوبتر و سیاستهای بهتر تجاری در داخل کشور مسلماً راهگشای این نیازها نیستند، اما می‌توانند به بالا بردن تولید کشاورزی (و دیگر بخشها)، درآمد و اشتغال کمک کنند و حداقل به طور غیرمستقیم به کشورهای در حال توسعه کمک کنند تا برای پیشرفت و توسعه اقتصادی و امنیت

غذایی بر موانع موجود فایق آیند و این کمک مبتنی بر روشی است که این گونه کشورها را فعالتر کرده، بازده را افزایش داده باعث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (شامل انتقال سرمایه، مهارتها، تکنولوژی و راههای بازاریابی)، کمک رسمی و کمکهای فنی می‌گردد.

مسائل حاصل کشورهای در حال توسعه

۴۱.۵ بعضی کشورهای در حال توسعه به این مسئله توجه داشته‌اند که محدودیتهایی که بر روشهای سیاسی متداول برای تحقق اهداف و سیاستهای کشاورزی تأثیر می‌گذارد، دستیابی کشورها به اهداف امنیت غذایی و رشد کشاورزی در آینده را مشکل می‌سازد. تا زمانی که پرداخت یارانه مستقیم محصولات به طور مداوم محدود می‌شود و استفاده از محدودیتهای کمی وارداتی ممنوع است، محدودیتی در استفاده از ضوابط سرمایه‌گذاری عمومی برای کشاورزی اهداف توسعه روستایی (محلی) وجود ندارد. رایانه‌های سرمایه‌گذاری و مواد اولیه، که هر دو معیارهایی هستند که متناوباً در کشورهای در حال توسعه جهت افزایش در تولید استفاده شده‌اند، طبق توافقنامه اروگوئه همچنان در کشورهای توسعه یافته نیز مجاز خواهند بود.

۴۲.۵ از بسیاری جهات اصلاحاتی که در برنامه‌های تعدیل ساختاری (SAPs) صورت گرفته‌اند، فراتر از اقداماتی هستند که کشورها به موجب توافقنامه اروگوئه باید انجام بدهند. معمولاً برنامه‌های تعدیل ساختاری کاهش بیشتری را در حمایت‌های غیرمستقیم ایجاد می‌نمایند.

یارانه‌های مواد اولیه و برنامه‌های مصرف غذاهای یارانه‌ای که طبق توافقنامه اروگوئه مجاز شده است اغلب باید توسط اعمال برنامه‌های تعدیل ساختاری تقلیل یابد. برنامه‌های تنظیم ساختاری معمولاً نیاز به تنزل ارزش پول رایج و اصلاحات سازمانی در کشورهایی که عضو توافقنامه دور اروگوئه نیستند دارند. مع‌هذا توافقنامه اروگوئه عموماً زیربنای اصلاحاتی که توسط کشورهای توسعه یافته باید انجام شود تشکیل داد و در برابر خطراتی که برای این کشورها در بازار

آزاد پیش خواهد آمد می‌تواند به عنوان یک عامل اطمینان بخش زمینه مناسبی را برای افزایش دسترسی به بازار فراهم نماید.

۴۳.۵ تمام کشورهای در حال توسعه از مزایای قابل انتظار آزادسازی تجارت جهانی به طور یکسان نفع نمی‌برند. خصوصاً LIADC (کشورهای کم درآمد مواجه با کمبود غذایی)، از افت قیمت‌ها، کالاهای ارجح، محدودیتهای بیشتر در استفاده از مزایای تجارت جدید و احتمال واردات بیشتر غذا واهمه دارند. این مسائل در آخرین قانون مذاکرات دور اروگوئه منعکس شدند.

۴۴.۵ به‌رغم احتمالات گسترش درآمد حاصل از صادرات ترس از سقوط ناگهانی قدرت خرید واردات بزرگترین مسئله کشورهای وابسته به تجارت برای امنیت غذایی است. نگهداری ذخایر تبادل بهترین تضمین برای ثبات سطح مصرف غذا برای چنین شرایطی است، اما در بسیاری کشورهای در حال توسعه سطح ذخایر برای چنین مقاصدی کافی و مناسب نیست. دومین راه حل (راه دفاع) در چنین شرایطی دسترسی آسان به اعتبار سریع پرداخت می‌باشد. یکی از راههایی که برای این مسئله وجود دارد امتیاز مالی جبرانی (CCFF) IMF است که شامل اعتبار میان مدت واردات غلات می‌گردد. استفاده از CCFR به منابع دسترسی زیر پوشش دیگر برنامه‌ریزیهای MF افزوده می‌شود. با وجود این CCFF تا حدی به دلیل آنکه تغییرات ناگهانی قیمت از آغاز مسئله غلات در اوایل دهه ۸۰ و دوره نسبتاً کوتاه باز پرداخت وجوه استقراضی که یک نرخ بهره وابسته به بازار به‌مراه دارد، ناچیز بوده کمتر استفاده شده است. یاری رسانی در خصوص تراز پرداختها نیز می‌تواند از محل طرحهای ویژه با گسترش برنامه‌ریزیها برای کشورهای کم درآمد تحت تسهیلات تعدیل ساختاری گسترده که فراهم آورنده منابع مالی بر مبنای اعطای امتیاز می‌باشد، تأمین گردد. اجرای تدابیر در خصوص فراهم آوردن نقدینگی مکفی می‌تواند به هنگام بروز شرایط تجاری پیشبینی نشده از جمله افزایش ناگهانی قیمت غله وارداتی، رویارویی با وضعیت ناپه‌نجار اقتصادی را امکانپذیر سازد.

پیشرفت‌های آینده مذاکرات تجاری

۱.۶ هدف از وضع مقررات تجاری بین‌المللی، تسهیل تبادل پایاپای خدمات و کالاهاست تا بدین وسیله برای هر کشور حداکثر فرصت جهت بهره‌برداری از عایدات تجاری فراهم گردد. از جمله ویژگی‌های فرعی نظام تجاری کارآمد تأثیرگذاری مثبت در بهبود وضعیت امنیت غذایی است. اوضاع تجارت حاکم بر هر منطقه، با تقویت رشد درآمدها، تقلیل خطر بحرانهای ناشی از نوسانات تولید داخلی، و با فراهم نمودن زمینه کارآیی هر چه بیشتر تولید جهانی، در هر یک از ابعاد فراهمی پایداری تولید، امنیت غذایی را افزایش می‌دهد.

۲.۶ در هر حال، تجارت جهانی با خود تغییراتی را به دنبال می‌آورد که به سود یک گروه و به زیان گروهی دیگر خواهند بود. آزادسازی تجارت کشاورزی این نگرانی را در پی دارد که تغییرات اقتصادی جدید به موازات رشد اقتصادی ممکن است به کاهش امنیت غذایی در کشورهای بسیار کم درآمد و در میان خانوارهایی که وسع مالی آنان اجازه بهره‌گیری از فرصتهای تازه نمی‌دهد بیانجامد؛ قیمت واردات غذایی باز هم افزایش یابد. با اتمام ذخایر جهانی غذا بر ناپایداری قیمت جهانی مواد غذایی افزوده می‌گردد و افزایش تولید زراعی در مناطقی که توانایی تخصیص یارانه مکفی را ندارند به تخریب هر چه بیشتر منابع زیستمحیطی دامن می‌زند این بدان معناست که وضعیت تجارت جهانی همچنین می‌تواند در هر یک از ابعاد فوق به طرز نامطلوبی امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار دهد.

۳.۶ هنگام بررسی و مذاکره در خصوص مسئله آزادسازی تجارت لازم است تا موارد مشروح فوق در نظر گرفته شده و جهت به حداقل رسانیدن تأثیرات منفی آنها اقدام به عمل آید. برای اطمینان از اینکه دستاوردهای تجارت به طور گسترده توزیع شده و ظرفیت بالقوه امنیت غذایی به خوبی بهره‌برداری می‌شود نیاز به سیاست‌های جنبی در سطوح جهانی و ملی احساس می‌شود.

۴.۶ مذاکرات دوراوردگفته پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در تجارت یکپارچه کشاورزی به سمت

قوانین عمومی GATT به وجود آورده است، لیکن در کاهش محدودیتهای این تجارت پیشرفت کمی داشته است. حتی تا آخر این قرن، تجارت کشاورزی به شدت محدود باقی خواهد ماند و علی‌رغم آنکه قسمتی از آن با تعرفه‌های پایین انجام می‌گیرد، سطح متوسط تعرفه‌ها در اغلب اوقات در سطح تجارت صنعتی انجام خواهد گرفت. تولیدات کشاورزی بیش از حد در مناطق با هزینه بالا انجام می‌گیرد در حالی که صادرکنندگان با هزینه پایین همچنان دسترسی محدودی به بعضی از بازارها خواهد داشت. حتی زمانی که توافقنامه دوراورگوئه نیز کاملاً تحقق یابد، دستاوردهای چشمگیر تجاری همچنان دست نیافتنی باقی خواهند ماند.

۵.۶ مقرر شده است که مذاکرات برای تداوم فرآیند اصلاح یکسال قبل از پایان مدت

اجرای کشورهای در حال توسعه صورت بگیرد. در این مورد نکات زیر باید در نظر گرفته شوند:

- تجربیات تا آن زمان به منظور اجرای تعهدات کاهش
- اثرات تعهدات کاهش بر روی تجارت جهانی کشاورزی
- مسائل غیرتجاری، روش خاص متمایز جهت توسعه کشورهای عضو و تأسیس یک بازار و سیستم تجاری کشاورزی مبنی بر بازار و دیگر مسائل متذکر شده در مقدمه این توافقنامه
- هر گونه تعهدات دیگری که ممکن است برای رسیدن به اهداف طولانی مدت ذکر شده در بالا ضروری باشد.